

# خبرنامه عدالت کیفیری

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

فصل‌نامه علمی - حقوقی / سال چهارم / شماره یازدهم / بهار ۱۴۰۰





معاونت فرهنگی، اجتماعی

# خبرنامه عدالت کیفری



گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

«حاکم اگر در عفو به خطا رود بهتر از آن است که در کیفر به خطا افتد»

امام علی علیه السلام

فصل‌نامه علمی-حقوقی

سال چهارم / شماره یازدهم / بهار ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسؤول: دکتر نسرين مهرا

سرديبر: سحر سهيل مقدم

هیات تحریریه: : فرشاد چنگایی، مهدی حسینی، عارف خلیلی پاجی، محمدرضا خطشب، دکتر حامد رهدارپور،

امین زحمتکش، عبدالحسین سلطانی رنانی

همکاران: مهنوش ایمانی، سیده مریم برش‌نورد، فرشاد چنگایی، حمیدرضا حیدرپور، دکتر حامد رهدارپور، امین

زحمتکش، عبدالحسین سلطانی رنانی، فرهاد شاهیده، منصوره قنبریان بانوئی، دکتر نوروز کارگری، فرشید نظری،

راضیه همراهی

ویراستار ادبی: پریسا پورهاشمی

صفحه‌آرایی: بهار خلیلی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، طبقه اول، دفتر انجمن ایرانی حقوق جزا

ایمیل: criminaljusticebulletin2018@gmail.com

تلفن و فکس: ۰۲۱۲۲۴۳۱۷۵۵

همراه: ۰۹۱۲۲۱۹۸۰۴۱

# فهرست

- ۵ سخن سردبیر
- ۶ مصاحبه: تروریسم و حقوق کیفری
- ۸ گزارش
- ۱۰ تامین مالی تروریسم؛ از شناسایی حقوقی تا مقابله کیفری
- ۱۵ مؤلفه‌های حقوقی سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی
- ۲۴ نقد رای (جرائم نامعین علیه اموال)
- ۲۸ دیوان کیفری بین‌المللی و پیشگیری از جنایات بین‌المللی؛ دیدگاه‌های جرم‌شناختی
- ۳۳ رویدادهای نوین کیفری: جرم‌انگاری توهین به اقوام ایرانی و ادیان الهی
- ۳۶ تازه‌های آرای وحدت رویه
- ۳۷ تازه‌های طرح
- ۳۸ تازه‌های لوایح
- ۳۹ تازه‌های دستورالعمل
- ۳۹ تازه‌های آیین‌نامه
- ۴۰ تازه‌های نشر

# سخن سردربر

پیش‌دستانه است که نویسندگان در دو مقاله جدا به تبیین این موضوع پرداخته‌اند. از نوآوری‌های این شماره نشریه اختصاص مطلبی به نقد رای است که در آن نویسندگان به صورت مستند و مستدل به نقد رای دادگاه بدوی پرداخته‌اند. در ادامه مطالب ترجمه مقاله‌ای در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی، رویدادهای نوین حقوق کیفری (ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات)، تازه‌های طرح و ارای وحدت رویه و تازه‌های نشر آورده شده است. این نشریه از کلیه دانشجویان، پژوهشگران و اساتید گرامی دعوت به همکاری می‌نماید تا آثار خویش را با محوریت موضوعات نوین حقوق کیفری به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

در قرن اخیر و به ویژه چند دهه اخیر، مفهوم تروریسم به شکل ویژه و برجسته‌ای در ادبیات جهانی مطرح گردیده است. امروزه مفهوم تروریسم در ابعاد مختلفی مطرح می‌باشد. با وجود آنکه تروریسم و تروریست هنوز در ادبیات سیاسی جهان تعریف معین و مشترکی نیافته است، اما دارای یک سری از ویژگی‌های عمومی است که نویسندگان این شماره فصل‌نامه به تناسب موضوع، بررسی خواهند کرد. مصاحبه این شماره با آقای دکتر نوروز کارگری است که ایشان به تبیین سیاست جنایی ایران درباره تروریسم می‌پردازند. از دیگر مباحث مرتبط با تروریسم، تامین مالی تروریسم و پیشگیری از جرایم تروریستی در قالب اقدامات

## مصاحبه

# تروریسم و حقوق کیفری

تنظیم کننده: سیده مریم برش نورد

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۱- چگونه می‌توان یک رفتار را بدون اینکه بر تعریف آن اجماعی وجود داشته باشد، مورد جرم‌انگاری قرار داد؟ (رابطه بحران معنا در مواجهه با پدیده تروریسم و حقوق کیفری)

نکته ای که باید قبل از شروع بحث نسبت به آن دقت داشت این است که مشکل تعریف جرم در خصوص بیشتر رفتارهای مجرمانه وجود دارد و مختص به تروریسم نیست با این حال واقع امر این است که در خصوص تروریسم یا اقدامات تروریستی این موضوع بیشتر ایجاد حساسیت می‌کند و این حساسیت نیز ناظر است بر ماهیت کارکردی مفهوم تروریسم برای دولتها. به این معنا که گرچه در سطحی وسیع می‌توان همه جرایم را دارای این کارکرد دانست، ولی در مورد تروریسم کارکرد سیاسی آن بیشتر آشکار و البته واضح‌تر است.

نکته در خصوص عدم جامعیت تعریف جرم ناظر است بر پایه‌ها یا سطوحی که جرم‌انگاری در آن صورت می‌گیرد. بسته به میزان شناوری در پایه‌ها یا سطوح جرم‌انگاری، می‌توان تا حدی این سیالیت را در تعریف جرم دید. آنگونه که در خصوص سایر جرایم هم می‌بینیم و البته در حوزه کیفری امری کاملاً شناخته شده است. با این حال از آنجایی که قانون فصل ختام در تعریف جرم محسوب می‌شود، در اغلب موارد خود را بی‌نیاز از اجماع در خصوص تعریف جرم می‌دانیم و به عبارتی شاید بتوان گفت که در پی اجماع کامل بودن چندان هم منطقی نباشد. اگر بخواهیم پرسش را به نحو متفاوتی مطرح کنیم باید به این موضوع پرداخت که در تشخیص مصادیق و نه در ارائه تعریف، چگونه باید عمل کرد. اگر بخواهیم صرفاً در ارتباط با تعریف بحث کنیم شاید چندان در خشونت نهفته در آن، که اساس اقدامات تروریستی را تشکیل می‌دهد، با مشکل مواجه نباشیم و و تنها وقتی پای اهداف



در این شماره با آقای دکتر نوروز کارگری، عضو هیات علمی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات و نایب رئیس انجمن ایرانی حقوق جزا که صاحب چندین اثر در زمینه تروریسم هستند، مصاحبه کرده‌ایم.

کیفری ایران نه سیاست منسجم منطقی بر موضوع تروریسم در حوزه حقوق کیفری حاکمیت دارد و نه می‌توان به طور حتمی انتظار چنین سیاستی را داشت. فایده‌گرایی شاید تنها منطق حاکم بر مفهوم تروریسم در حوزه کیفری باشد بدین معنا که هر زمان اقتضات سیاسی ایجاب کند، برخوردهای حقوقی صورت خواهد گرفت و بالعکس. این موضوع البته اختصاص به حقوق کیفری ایران ندارد و در همه سیستم‌های حقوقی می‌توان همین موضوع را مشاهده کرد.

فایده‌گرایی شاید تنها منطق حاکم بر مفهوم تروریسم در حوزه کیفری باشد.

### ۳- آیا سازوکارهای حقوق کیفری می‌تواند در مقابله با این پدیده مجرمانه رسالت خود را انجام دهد و تاثیرگذار باشد؟

پاسخ به این پرسش بستگی دارد به اینکه رسالت حقوق کیفری را در این زمینه چگونه تعریف کنیم. بی‌تردید آنچه که از اهداف و کارکردهای حقوق کیفری در سایر جرایم انتظار داریم، در خصوص جرایم تروریستی به نحو مشابهی قابل طرح نیست و نمی‌توان انتظار داشت که همان اهداف در این جرایم نیز دنبال شوند. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که اگر فرض کنیم حقوق کیفری اهدافی را برای خود در این زمینه ترسیم و تصور کرده است و نتواند به اهداف مد نظر خود دست یابد، چه راهکار دیگری را می‌توان مطرح کرد که بتواند به پدیده‌های تروریستی پاسخ دهد؟

اگر مهمترین هدف از درگیر کردن حقوق کیفری در وقایع تروریستی را تعدیل دیدگاه‌های خشن و غیر قابل کنترل جنگ طلبانه بدانیم، بی‌تردید صرف طرح مباحث تروریستی در حقوق کیفری - فارغ از اینکه چه دستاورد یا هدف مشخصی از تعقیب جرایم تروریستی به دست می‌آید - می‌تواند تا حد زیادی ما را به اهداف مد نظرمان برساند. توضیح اینکه می‌توان گفت یکی از مهمترین اهداف و البته کارکردهای حقوق کیفری در زمینه جرایم تروریستی آن است که مقابله با تروریسم تابع برخی از اصول کیفری شود خواه آنکه برای آن هدف دیگری را در نظر بگیریم یا خیر. واضح است که اگر حقوق کیفری خود را در این زمینه بی‌انگیزه نشان دهد یا آنکه پرداخت به مباحث تروریستی را در حد توان یا کارایی خود نبیند، یا آنکه مغلوب همه‌های سیاسی در این زمینه شود، آلت‌ناتیو موجود می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد. جنگ یکی از در دسترس‌ترین واکنش‌هاست که حتی در بهترین فرض نیز از اجرای قواعد کیفری در بدترین فرض خود، مصیبت بارتر خواهد بود.

به جز این موضوع به نظر نمی‌رسد که بتوان انتظار بیشتری از گزاره‌های کیفری در ارتباط با تروریسم داشت چرا که این مفهوم به شدت تابعی است از تمایلات و گرایش‌های سیاسی دولت‌ها و به بند کشیدن آن امری است بیش از حد تصور دشوار و یا شاید غیرممکن. از این رو اعمال قواعد کیفری خود می‌تواند یک هدف باشد که نتیجه قطعی آن تحدید ابزارهای سیاسی یا نظامی در راستای مقابله با اقدامات تروریستی است.

ناظر بر خشونت صورت گرفته به میان می‌آید دشواری آغاز می‌شود و به همین دلیل هم هست که تعاریف صورت گرفته از تروریسم با هدف اجتناب از مشکلات بعدی، به صورت کلی بوده و چندان درگیر در جزئیات نمی‌شوند.

موضوعی که شاید بیش از اندازه ما را به خود مشغول داشته و خود مانعی در راه طرح مباحث کیفری از اقدامات تروریستی بوده است، همین نیازمندی برای ارائه

یک تعریف ماهوی کلی از تروریسم است در حالی که بیشتر جرایم مندرج در قوانین کیفری فاقد تعریف ماهوی هستند و چندان هم مورد توجه قرار

نمی‌گیرند؛ نمونه آن قتل به عنوان مادر جرایم است که فاقد تعریف قانونی است و این فقدان به اندازه‌ای موثر نبوده است که انتقادات گسترده‌ای را نسبت به قانون وارد کند. از این رو جرم‌انگاری و مقابله کیفری را نباید وابسته به یک تعریف دانست که در آن صورت بخش عمده تلاشها مصروف به یک امر غیر ضروری خواهد شد. آنچه در خصوص تروریسم باید صورت گیرد نیز همین حساسیت‌زدایی از موضوع و اقدام بر اساس مصادیق بدون نیازمندی به تعریف ماهوی است.

### ۲- سیاست جنایی ایران را در قبال این پدیده مجرمانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ابتدا باید در این خصوص سخن گفت که به طور کلی آیا می‌توان نظام کیفری در ایران را تابع یک سیاستگذاری منسجم دانست یا خیر؟ طبیعتاً اگر پاسخ منفی باشد، -که احتمالاً چنین است- نمی‌توان توقع داشت که در ارتباط با جرایم تروریستی سیاست کیفری منسجم و مشخصی را دنبال کنیم و در ادامه آنچه باقی می‌ماند همان رویکرد موقعیتی و گذرای است که در خصوص همه جرایم مبتلا به هستند. نکته دیگری که باید قبل از بحث در خصوص این موضوع به آن دقت کرد این است که با فرض حاکمیت سیاست کیفری منسجمی در کشور، آیا می‌توان اقدامات تروریستی را تابعی از سیاست جنایی مشخصی دانست؟ سیالیت معنایی و مصادیقی نهفته در تروریسم را نمی‌توان امری اتفاقی دانست که به صورت خود به خودی و در فرایند تکوین جرایم ایجاد شده است بلکه به این دلیل است که دولت‌ها یا قدرتهای سیاسی چندان تمایلی به روشن کردن ابعاد مختلف آن ندارند. این موضوع دولت‌ها را بیشتر متمایل می‌کند که در پی سیاست کیفری مشخصی نباشند چرا که فارغ از نمایش‌های حقوقی، تروریسم بیشتر به عنوان یک برچسب سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دولت‌ها تمایلی ندارند تا با محدود کردن آن در حوزه کیفری، سایر راهکارهای موجود؛ از جمله جنگ نظامی یا ابزارهای سیاسی، را در مبارزه با مخالفان از خود دریغ کنند یا آنکه کارکردهای سیاسی تروریسم که در قسمت نخست مختصراً به آن پرداختیم، را از بین ببرند.

با توجه به این مقدمه مختصر می‌توان گفت که در نظام

# گزارش

تنظیم کننده: راضیه همراهی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

کند. در این بین همواره شماری از افراد هستند که طبیعتاً ارزش‌ها و مجموعه ضوابط که نظم دهنده در حوزه اقتصاد هستند رو نادیده می‌گیرند و به عبارت دیگر بایدها و نیاید‌های حقوقی و اقتصادی را نقض می‌کنند. طبیعتاً الگوی سیاست جنایی وابسته به الگوی اقتصادی حاکم بر یک جامعه است. به عنوان مثال اگر در حوزه اقتصادی بازار آزاد قرار داشته باشیم قاعدتاً مداخله کیفری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. اما اگر نظام اقتصادی بعد ارشاد گرایانه به خود گیرد این جا مداخله کیفری بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و علاقه مندی بر استفاده از مجموعه‌های کیفری است.

## الف: ارزش‌های اقتصادی در اسناد بین المللی و قانون اساسی

حمایت از ارزش‌های اقتصادی در میان مجموعه اسناد بین المللی مشاهده می‌شود. مثلاً ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر که به بحث امنیت اشاره کرده است به تأمین بعد امنیت اقتصادی و امنیت در تحلیل اقتصادی می‌پردازد. مواد ۶ و ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به حق در فعالیت کنش‌گری‌های اقتصادی در یک بستر امن اشاره می‌کند. اصل ۲۸، ۴۳ و ۴۷ قانون اساسی هر یک معرف ارزش‌هایی در حوزه اقتصاد هستند

نشست شصتم دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی با همکاری انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۲۶/۱۰/۱۴۰۰ با عنوان «چالش‌های سیاست جنایی ایران در برابر جرم‌های اقتصادی و راهکارها» با سخنرانی جناب آقای دکتر امیرحسن نیازپور عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. خلاصه‌ای از سخنرانی ایشان به شرح زیر است:

## ۱. مقدمه: رابطه ارزش‌ها و سیاست جنایی

در پهنه‌ی سیاست جنایی برای مهار جرم باید یک رویکرد ترکیبی از مجموع ظرفیت دولت و جامعه مدنی را به کار بگیریم. بدیهی است که این هدف و رویکرد سیاست جنایی برای حمایت از ارزش‌ها اهمیت فراوان دارد چون ارزش‌ها درحقیقت باورهای اساسی و عمق توجه در بستر یک جامعه هستند. هنجارها در واقع قواعد تعیین‌کننده و انعکاس‌دهنده ارزش‌ها در سطح جامعه به شمار می‌روند و طبیعتاً بر این اساس این ارزش‌هاست که راه سیاست‌گذاران مشخص می‌گردد. طبیعتاً هر نظام اقتصادی با تکیه بر مبانی و اصول بنیادین که در پیش می‌گیرد؛ سعی می‌کند که قلمروی سیاست‌های حقوقی مربوط به این حوزه را تنظیم کند و به عبارتی به واسطه این هنجارگذاری‌ها نظم اقتصادی را تنظیم



قانون مجازات اسلامی و همچنین قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی پرش رویکردی دارد و یک جرم اقتصادی به یک جرم علیه امنیت تبدیل می شود.

### ج: تعریف جرم اقتصادی

در تعریف جرم اقتصادی مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها را باید در نظر داشت. جرم اقتصادی در سطح کلان به نظام اقتصادی آسیب وارد می‌کند و به عبارتی جرم اقتصادی مجموعه‌ای از رفتارهای کیفری است که ارزش‌ها، بایدها و نبایدهای اقتصادی در فرآیند تولید توزیع و مصرف نقض می‌کند. زمین پس وارده دو حیطة سیاست‌های کنش مدارانه و واکنش مدارانه می‌شویم.

### د: راه حل

در ایران نسبت به پیشگیری از جرایم اقتصادی الگوی مشخص و شفاف نداریم. و به عبارتی تقسیم کار ملی صورت نگرفته است. یعنی ما دقیقاً مشخص نکرده‌ایم که هر کدام از نهادها با توجه به وظایف و ماموریت‌های قانونی چه نقشی می‌توانند در پیشگیری از جرم‌های اقتصادی ایفا کنند. هنوز این تفکیک در چگونگی ایفای نقش نهادهای دولتی صورت نگرفته است. چالش بعدی در واقع عدم توجه به مشارکت نهادهای جامعه‌ای است. در پیشگیری از جرایم اقتصادی ما می‌دانیم که در نهادهای غیردولتی سازمان‌های مردم‌نهاد یک نقش بسیار مهم در سطح جامعه هستند. راه حل بعدی اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی منسجم است. بزهکار اقتصادی حالت خطرناک دارد. وی در یک موقعیت نابرابر قرار دارد به همین علل اتخاذ سیاست جنایی افتراقی ضروری است. می‌توان به برخی ظرفیت‌ها اشاره کرد. مثلاً در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت تشکیل دادرسی جرایم اقتصادی به تشخیص رییس قوه قضاییه دیده می‌شود. وجود ضابطان خاص در کنار و همراه ضابطان عام برای اعلام و گزارش جرایم اقتصادی یکی دیگر از راه حل هاست.

یک راه حل دیگر توجه به هیئت تحقیقات مقدماتی است. در بعضی از کشورها مثلاً در کشور فرانسه به موجب ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری هیات تحقیقات مقدماتی وقوع جرم را بررسی می‌کند. اما در حقوق هنوز باز پرس منفرداً مامور تحقیقات است. وجود هیات تحقیقاتی دقت و عدم نفوذ را تضمین می‌کند.

که به نوعی می‌توانند تشکیل دهنده بنیان‌های سیاست جنایی ما باشند. بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی به منع اضرار غیر، انحصار نداشتن، در واقع مذموم شمردن احتکار و باطل شمردن معاملات باطل اشاره دارد. اصل ۴۹ قانون اساسی به منع سوءاستفاده از معاملات دولتی اشاره دارد. مجموع این اصول قانون اساسی به حمایت از ارزش‌های اقتصادی پرداخته است. در بند ۸ سیاست‌های کلی تولید ملی حمایت از کار و سرمایه ایرانی که سال ۱۳۹۱ ابلاغ شده است به بحث بهبود فضای کسب و کار اشاره می‌کند. هم چنین بند ۱۱ قانون شفاف‌سازی در عرصه اقتصادی به جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت و مصرف و بند ۲۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در سال ۱۳۹۲ ابلاغ شده است به شفاف‌سازی و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت گذاری اشاره دارد. بند ۱۹ قانون فوق‌الذکر به شفاف‌سازی اقتصاد و بند ۲۴ سیاست‌های کلی برنامه پنجم به ارتقاء کمی و کیفی بازارهای مالی با تاکید بر شفافیت اشاره نموده است. همه قوانین فوق‌الذکر بیانگر آن است که باید در راستای اتخاذ سیاست‌های سنجیده نسبت به رفتارهای ناقص این ارزش‌ها گام برداشت.

### ب: چالش‌ها

- نخستین چالش همانا عدم تعریف جرم اقتصادی است. قانون‌گذار میان مفهوم جرم اقتصادی و فساد مالی و اداری تفکیک قایل نشده است.
- دومین چالش رقم و عدم‌مداری است. دقیقاً مشخص نیست عبارت فساد کلان اقتصادی به چه میزانی اشاره دارد.
- چالش سوم مصداق محوری است؛ به این معنا که قانونگذار در قوانین مختلف مصادیقی را به عنوان جرم اقتصادی معرفی می‌کند ولی هیچ معیار کمی و کیفی ارائه نمی‌دهد. مثلاً در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی دسته‌ای از رفتارها بعنوان جرم اقتصادی به ما معرفی شدند. ولیکن رفتارهای مجرمانه‌ای که ذاتاً در بستر اقتصاد اتفاق می‌افتند قانون‌گذار آن موارد را در شمار جرم‌های اقتصادی قرار نداده است. بعنوان نمونه بارز می‌توانیم به جرم‌های پیش‌بینی شده در مواد ۴۶ و ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم.
- جرم‌های اقتصادی مجموعه رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که ذاتاً ماهیت اقتصادی دارند و هدف برای تحقق و ارتکاب این رفتارهای مجرمانه اصولاً بدست آوردن سود و منفعت بیشتر است. ولیکن ما می‌بینیم که قانون‌گذار به یکباره در بعضی از قوانین خصوصاً

# تأمین مالی تروریسم؛ از شناسایی حقوقی تا مقابله کیفری

نویسنده: حمیدرضا حیدرپور

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه عدالت

## چکیده

مالی آن است. مشهور است که گفته شده، تروریست‌ها بدون پول، قادر به انجام هیچ کاری نیستند و بنابراین، ناگفته پیداست که تأمین مالی تروریسم - که می‌توان آن را ناظر بر هر سازوکار و اقدامی دانست که به نحوی، منابع مالی و بودجه‌ای برای ارتکاب تروریسم را فراهم آورد - به هر روش و از هر مسیری، از جمله اصلی‌ترین عوامل زمینه ساز برای وقوع تروریسم است. از سوی دیگر، همین سطح تأثیرگذاری تأمین مالی و بودجه‌ای در ارتکاب نهایی تروریسم، گویای ضرورت مقابله با آن است. طبعاً هدف غایی از مقابله با تأمین مالی تروریسم، پیشگیری از وقوع تروریسم در مرحله نهایی است و بدین ترتیب، می‌توان این‌گونه تصور کرد که هر سازوکار و تدبیری که مقابله با تأمین مالی تروریسم را عملی سازد، چه بسا در نهایت، منتهی به مقابله با تروریسم نیز بشود.

امروزه، در عرصه بین‌المللی، دولت‌ها (جز آن‌ها که به‌نوعی، موافق و یاریگر فرایند ارتکاب تروریسم هستند)، مقابله با تروریسم را یک نیاز اصلی و ضرورت غیر قابل کتمان برای خود قلمداد کرده و تلاش خود را به کار بسته‌اند تا به ویژه از طریق مقابله با تأمین

تأمین مالی تروریسم، به هر سازوکار یا ابزاری گفته می‌شود که به نحوی، منابع مالی (منقول یا غیرمنقول و معمولاً به‌صورت وجه و پول) و بودجه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم برای ارتکاب تروریسم را فراهم آورد. این پدیده امروزه، به‌عنوان یک رخداد مقدماتی مستقیم و به تعبیر دیگر، یک عامل زمینه‌ساز بلاواسطه برای ارتکاب تروریسم، اهمیت زیادی پیدا کرده و بر همین اساس، تأکید بر مقابله کیفری با آن است تا در نهایت، مقابله نهایی با تروریسم، تسهیل و تسریع گردد. آثار مخرب‌بی که تأمین مالی تروریسم به ویژه از حیث سیاسی، حقوقی و امنیتی به دنبال دارد، ضرورت مقابله با آن را تبیین می‌کند. تأمین مالی تروریسم، از یک سو، در حقوق کیفری مدرن، یک جرم مهم محسوب شده و از سوی دیگر، تأکید بر مقابله کیفری با آن است.

## درآمد

یکی از مهم‌ترین رفتارهای مرتبط با تروریسم، تأمین

از مقابله با جلوه‌ها و مظاهر تأمین مالی تروریسم در کشور ماست. بدیهی است بدون در نظر گرفتن ترتیبات و تدابیر خاص برای مقابله همه جانبه با تأمین مالی تروریسم، نمی‌توان ادعای برخورداری از یک سیاست سنجیده و کارآمد در راستای مقابله با تروریسم را داشت (سمعی اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۴، ۵۳).

بنابراین، همچنانکه تأمین مالی تروریسم در سطح جهانی و در عرصه بین‌المللی با منع و ضمانت اجرا روبرو شده، لیکن در سطح حقوق داخلی در بسیاری از کشورها، چالش‌های فراوانی (از عدم تصویب درست و کامل قانون مربوط به مقابله با تأمین مالی تروریسم تا عدم اجرای صحیح راهکارها و راهبردهای ناظر بر این مقابله) به عنوان موانع عمده بر سر راه مقابله با تأمین مالی تروریسم، قابل اشاره و توجه هستند. بر معضلات

اجرای کارآمد و موثر راهبردهای مقابله با تأمین مالی تروریسم در ایران، باید اختلاف نظر فاحش میان دو نهاد عمده حاکمیتی یعنی دولت (قوه مجریه) و مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) در باب الحاق یا عدم الحاق به کنوانسیون مقابله

با تأمین مالی تروریسم و تعهداتی که از این حیث بر دولت جمهوری اسلامی ایران قابل تحمیل است را اضافه کرد که به نوبه خود، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های اجرایی مربوط به فرایند مقابله با تأمین مالی تروریسم است (زرگر و یوسفی مقدم، ۱۳۹۶، ۸۱).

## ۲- شناسایی حقوقی تأمین مالی تروریسم در سطح بین‌المللی

نمود بارز تلاش جامعه بین‌المللی برای شناسایی حقوقی تأمین مالی تروریسم، تصویب و تدوین اسناد بین‌المللی مهمی در راستای مقابله با تأمین مالی تروریسم است که «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم»<sup>۱</sup> مصوب ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد، نخستین اقدام عملی در این راستا بوده است. این کنوانسیون که تا پایان سال ۱۳۹۵ شمسی، ۸۸ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند، مهم‌ترین اقدام مشترک جامعه جهانی به منظور برقراری تکالیف و تعهدات بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم است که حاوی سه تعهد عمده برای کشورهای عضو خود است: جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم و رفتارهای تروریستی در قوانین جزایی ملی، تأمین و تضمین همکاری گسترده با سایر کشورهای عضو کنوانسیون و ارائه خدمات و معاضدت‌های قضایی

مالی تروریسم، این نیاز را پاسخ داده و این ضرورت را جامعه عمل بیوشانند. در مسیر مقابله با تأمین مالی تروریسم، برخی مبانی اصلی و بنیادین، راهنما و مبنای اقدام دولت‌ها بوده‌اند. این مبانی، بر فرض آنکه توجه و عنایت لازم و کافی به آنها صورت بگیرد، می‌توانند بنیان همکاری‌های دولت‌ها در عرصه بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم قرار گیرند و در نهایت، مجموعه منسجمی از تلاش‌ها و اقدامات برای مقابله با این پدیده را سامان بخشند.

در این نوشتار، ابتدا تعریفی از تأمین مالی تروریسم ارائه می‌شود. سپس، روند شناسایی حقوقی این مفهوم در حقوق کیفری بین‌المللی و پس از آن نیز مبانی توجیه کننده ضرورت مقابله با آن از حیث حقوقی و جرم شناختی بررسی خواهند شد.

## ۱- چستی تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی تروریسم، اصطلاحاً به هر فرایندی، اقدام یا سازوکاری گفته می‌شود که از طریق آن، منابع بودجه‌ای و مالی به منظور

ارتکاب رفتارهای تروریستی تأمین و فراهم و در اختیار فرد تروریست و یا گروه تروریستی قرار می‌گیرد (اسلامی، ۱۳۹۵، ۶۶). در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که در بهمن ماه ۱۳۹۴ به تصویب رسیده، در تعریف تأمین مالی تروریسم گفته شده است: «تهیه و جمع‌آوری عمداً و عالماً وجوه و اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیر مستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هر گونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی...، تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود.»

البته در همین قسمت، باید به نکته مهمی اشاره کرد و آن اینکه، ایران با اینکه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسانده است لیکن هنوز به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم ملحق نشده است. الحاق ایران به ۶ کنوانسیون از مجموع ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مقابله با تروریسم و عدم الحاق به کنوانسیون مورد اشاره و نیز تصویب ناقص قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در نظام حقوقی داخلی، نشانگر عدم درک کامل و جامع

ایران با اینکه قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسانده است لیکن هنوز به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم ملحق نشده است.

سال ۲۰۱۵، ۴۱ کشور و سازمان بین المللی به این گروه پیوسته‌اند و متعهد به تکالیفی شده‌اند که گروه مورد اشاره به منظور مقابله با صور و جلوه‌ها و موارد تأمین مالی تروریسم تعیین کرده است.

مهم ترین الزامات و خط مشی‌های تعیینی توسط این گروه به منظور نیل به هدف مورد اشاره، تهیه توصیه نامه‌های ۴۰ گانه مقابله با تأمین مالی تروریسم در ۲۰۰۳ است. از جمله الزامات اصلی تعیینی در این توصیه‌نامه، الزام دولت‌ها به معاضدت و همکاری قضایی در رابطه با تعقیب و دستگیری تأمین کنندگان مالی تروریسم، عدم اعطای مصونیت به مرتکبان تأمین مالی تروریسم، الزام دولت‌ها به ارائه مستمر و بدون استثناء اطلاعات مربوط به فعالیت‌های بانکی، نقل و انتقالات پول و نقدینگی، میزان خرید و فروش طلا و جواهرات و... است (قنبری، ۱۳۹۲، ۴۳).

گفته شده است که تأمین مالی تروریسم، امروزه به تبع تروریسم بین المللی وجهه فراملی پیدا کرده است. بر این اساس، با توجه به بُعد بین المللی این پدیده، هیچ منطقه‌ای از جهان نمی‌تواند و نباید در قبال تهدیدهای ناشی از این پدیده بی تفاوت باشد. همه کشورهای باید در مقابله جهانی علیه تأمین مالی تروریسم، مشارکت فعال داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت، تروریست‌ها و حامیان آنها به سراغ کشورهای فاقد نظارت یا کمتر کنترل شده می‌روند و این مقابله کم اثر می‌شود (عبداللهی و کرامتی معز، ۱۳۹۷، ۱۱۳).

### ۳- مبانی توجیه کننده ضرورت مقابله کیفری با تأمین مالی تروریسم

اصولاً مقصود از مقابله کیفری، جرم انگاری تأمین مالی تروریسم و کیفرگذاری (معمولاً و اصولاً سختگیرانه) نسبت به آن است. به طور مشخص می‌توان از دو مبنای اصلی برای توجیه ضرورت مقابله با تأمین مالی تروریسم نام برد: حقوقی و جرم شناختی.

#### ۳-۱ مبنای حقوقی

وظیفه تأمین امنیت پایدار کشور و جامعه، از جمله و به ویژه به حقوق کیفری سپرده شده تا با سازوکارها و ابزارهای در اختیارش به مقابله کیفری و سختگیرانه با عوامل و زمینه‌های نقض امنیت مبادرت ورزد. از سوی دیگر، ترور و تروریسم و رفتارهایی که بستر لازم و ضروری و مساعد را برای ارتکاب این جرم مهم فراهم می‌کنند

در موضوع مقابله با تأمین مالی تروریسم و وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش موسسات مالی در کشف و گزارش‌دهی موارد تأمین مالی برای ارتکاب رفتارهای تروریستی (عبدی خجسته، ۱۳۹۶، ۲۳).

علاوه بر این کنوانسیون، تصویب برخی قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱ و نیز صدور توصیه‌های چهل‌گانه از سوی گروه اقدام مالی (FATF)<sup>۲</sup> نیز از دیگر تحرکاتی است که دولت‌ها یا سازمان‌های بین المللی در سطح جهانی در راستای مقابله با وجوه متفاوت و مختلف تأمین مالی تروریسم داشته‌اند. اگرچه توصیه‌های اف. ای. تی. اف، بر خلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند لیکن از نظر عملی، واجد اهمیت هستند (لارنت چین، ۱۳۹۶، ۱۸۴).

در توضیح بیشتر می‌توان افزود که مهم‌ترین قطعنامه‌ای که تا به حال، شورای امنیت سازمان ملل به عنوان رکن صالح این سازمان برای تأمین امنیت و صلح بین المللی در ارتباط با مقابله با تأمین مالی تروریسم به تصویب رسانده، قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱ است. این قطعنامه، اگرچه پس از وقوع حوادث تروریستی سال ۲۰۰۱ (حمله به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک) به تصویب رسید، ولی مفاد آن به هیچ وجه به تعیین و تحمیل مجازات‌ها نسبت به مرتکبان حوادث مورد اشاره منحصر نشد بلکه ناظر بر پیشگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات هر نوع تأمین مالی تروریسم در هر جایی از جهان است. به طور مثال، در مورد انسداد دارایی تروریست‌ها، هیچ فهرستی از اشخاص حقیقی یا حقوقی ضمیمه این قطعنامه نشده بلکه در آن، به طور کلی مقرر شده دارایی تروریست‌ها به هر میزان که باشد و از سوی هر نهاد یا فردی تأمین شده باشد، باید توقیف و تمام مسیرهای ممکن برای ارتکاب تروریسم با استفاده از منابع سرمایه‌ای مسدود گردد (Makarenko, 2016, 129).

در مورد توصیه‌های گروه اقدام مالی نیز می‌توان گفت «گروه اقدام مالی» که پس از حصول اجماع بر سر اینکه موسسات مالی، اصلی‌ترین وسیله ارتکاب پولشویی‌های کلان در سطح جهان و به صورت بین المللی هستند و در نشست روسای کشورهای گروه هفت به سال ۱۹۸۹ در پاریس تشکیل شد تا راه‌های سوءاستفاده از موسسات مالی به منظور پولشویی و دیگر رفتارهای مجرمانه که اغلب به صورت سازمان یافته و منسجم و فراملی و فرامرزی ارتکاب می‌یابند نظیر تروریسم را شناسایی کرده و راه‌های تأمین مالی را مسدود نماید. تا

پیشگیری از وقوع تأمین مالی تروریسم، اقدامی شایسته و مناسب، از یک سو برای تأمین امنیت پایدار و از سوی دیگر، جلوگیری از وقوع تروریسم است. این نگاه به پدیده تأمین مالی تروریسم و مقابله با آن، در بُعد دوم جرم شناسی یعنی جرم شناسی پیشگیرانه مطرح است. در نهایت، مقابله با تأمین کننده‌های مالی تروریسم از راه به کیفر رساندن آنها، می‌تواند جنبه سوم نگاه جرم شناختی به مقوله مقابله با تأمین مالی تروریسم را عینیت بخشد (American Foreign Policy Council, 2015, 140).

رویکرد نظام‌های کیفری ملی در جرم انگاری تروریسم و تأمین مالی آن‌ها و تعیین «مجازات» برای این رفتارها که اغلب نیز به صورت سختگیرانه، شدید و بدون لحاظ کیفیات و ترتیبات ارفاقی از جمله تخفیف مجازات و... هم به اجرا در می‌آیند، دقیقاً بر مبنای جرم شناسی در وجه سوم شکل گرفته است.

### برآمد

تأمین منابع مالی و بودجه‌ای، اصلی‌ترین و مهم‌ترین زمینه و بستر ارتکاب تروریسم است و این توقع که از طریق مقابله با تأمین مالی تروریسم، می‌توان در نهایت، با تروریسم مقابله نمود، انتظار بیهوده‌ای نیست. ذیل عنوان «تأمین مالی تروریسم»، مصادیق و مظاهر متعدد و متفاوتی از تأمین منابع مالی و بودجه‌ای قابل احصاء هستند که عمده آنها را می‌توان قاچاق اسلحه و انسان، تجارت مواد مخدر، تجارت‌های پنهان و یا آشکار منابع زیرزمینی از جمله نفت و مشتقات آن و پولشویی دانست. در مفادی مشابه، ماده ۱ قانون مقابله با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ در کشورمان نیز تقریباً همین تعریف و مصادیق را در تبیین معنای تأمین مالی تروریسم، مورد اشاره و تصویب قرار داده است.

به سبب اهمیت رفتارهای تروریستی و آثار و تبعات ناگواری که به دنبال دارند، امروزه، مقابله با تأمین مالی تروریسم به مثابه مهم‌ترین رفتار تسهیل کننده ارتکاب ترور، به ویژه به صورت مقابله کیفری با آن، یک ضرورت انکارناپذیر است. در طریق توجیه مقابله کیفری با تأمین مالی تروریسم، به طور مشخص می‌توان دو مبنای حقوقی و جرم‌شناختی را مورد نظر قرار داد. مبنای حقوقی، به رسالت حقوق کیفری در پاسداشت امنیت پایدار جامعه بشری و لزوم جرم‌انگاری و کیفرگذاری نسبت به تأمین مالی تروریسم - به عنوان یک رفتار مخرب ضد صلح و امنیت - متمرکز است و مبنای جرم‌شناختی، بر این قاعده مبتنی است که نگاه پیشگیرانه غیر کیفری، برای منع ارتکاب تأمین مالی تروریسم، کافی نیست و باید به پیشگیری کیفری مبادرت ورزید.

به ویژه تأمین مالی تروریسم، در راستای همان وظیفه‌ای است که بر عهده نظام حقوقی و به طور خاص بر عهده حقوق کیفری گذاشته شده است (نساج و دیگران، ۱۳۹۴، ۴۷). نگاهی به رویکردهایی که تاکنون در سطح حقوق کیفری بین‌المللی و یا در سطح حقوق‌های کیفری ملی پیرامون مقابله با تأمین مالی تروریسم به منظور مقابله نهایی با ترور و تروریسم، اتخاذ شده و به اجرا گذارده شده‌اند، به خوبی گویای این واقعیت است. بنابراین، به تعبیر دیگر می‌توان گفت تحلیل توجیه حقوقی مقابله با تأمین مالی تروریسم، بر روی دو حوزه مهم حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق کیفری ملی و نگاه این دو شاخه از حقوق کیفری به پدیده تأمین مالی تروریسم تمرکز می‌کند (Bignan, 2014, 142).

از سوی دیگر، نیاز به امنیت در همه ابعاد و جلوه‌هایش، اساسی‌ترین نیاز بشر در دنیای متلاطم و پر تنش امروز است. بنابراین، هر رخدادی که به نحوی این امنیت را مخدوش ساخته یا با چالش روبرو کند یا احتمال می‌رود که چنین اثری بر امنیت پایدار دارد، باید مورد موضوع مقابله کیفری قرار گیرد. امروزه، تروریسم و تأمین مالی آن، به وضوح، «صلح» و «امنیت» بین‌المللی را در بُعد فردی و جمعی آن نشانه رفته‌اند. بعید است کسی، این دو نیاز مهم بشری را لازمه زیست سالم و ایمن از مخاطرات خودساخته و غیر طبیعی نداند و بسیار بعید است اگر کسی، جرائم تروریستی را ناقض آشکار بارزترین جلوه‌های صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نکند. پس، وظایفی که حقوق کیفری در قبال تأمین امنیت پایدار جوامع بشری بر عهده دارد، اقتضاء می‌کند که تأمین مالی تروریسم، جرم باشد و با مجازات روبرو گردد (Schott, 2016, 228).

### ۳-۲ مبنای جرم شناختی

در جرم‌شناسی، از یک سو به دنبال تبیین علی جرم یعنی در مقام شناسایی علل و عوامل جرم هستیم (جرم‌شناسی علت شناسی یا علت شناسانه). در وهله بعد، سعی در پیشگیری از وقوع جرم داریم (جرم‌شناسی پیشگیرانه) و در مرحله بعد، سازوکارهای مقابله کیفری برای رفتارهای مجرمانه و کسانی که به خود، اجازه ارتکاب این قبیل رفتارها را داده‌اند، اندیشیده و عملیاتی می‌شوند (پیشگیری کیفری یا تنبیه گرایانه) (Zhu, 2015, 129).

مقابله با تأمین مالی تروریسم، در تحلیل جرم شناختی، در هر سه بُعد جرم‌شناسی، قابل مطالعه است. در واقع، از یک سو، تأمین مالی تروریسم، یکی از عوامل و دلائل وقوع ترور و تروریسم است. پس بررسی و پژوهش پیرامون آن، در بُعد اول جرم شناسی یعنی جرم شناسی علت شناختی جای می‌گیرد. در وهله بعد، تلاش برای

داعش، فصلنامه حیل المتین، سال چهارم، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۴.

9. American Foreign Policy Council, *Confronting Terrorism Financing*, Lanham, MD: University Press of America, 2015.
10. Bignan, John, *FATF's Strategy On Combating Terrorist Financing*, Sage Publication, 2014.
11. Makarenko, T., *The Crime-Terror Continuum: Tracing the Interplay between Transnational Organized*, Global Crime, No. 2016, (1)6.
12. Schott Paul, Allan, *Reference Guide to Anti Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism*, The Word Bank, Second Edition, 2016.
13. Zhu, Min, *Anti-Money Laundering/ Combating the Financing of Terrorism*, International Monetary Fund, 2015.

به هر روی، مبانی حقوقی و جرم شناختی، روی هم رفته، می‌توانند مبنای شکل‌گیری نظام هماهنگ مقابله با تأمین مالی تروریسم باشند و هر دولتی که می‌خواهد با هدف مقابله نهایی با تروریسم، کنشگر فرایند مقابله با تأمین مالی تروریسم باشد، لازم است که این مبانی را سرلوحه رویکردهای نظری خود از یک سو و اقدامات و تدابیر علمی‌اش از سوی دیگر قرار دهد. بارزترین اقداماتی که دولت‌ها بر اساس توجه لازم و کافی به این مبانی می‌توانند صورت دهند، قانونگذاری در زمینه جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم و تعیین مجازات‌های کارآمد و موثر برای رفتارهای تسهیل کننده تروریسم از حیث مالی و بودجه‌ای و قطع ارتباط میان منابع مالی و مرتکبان تروریسم است.

بر این اساس، حقوق کیفری امروز می‌کوشد از یک سو، تأمین مالی تروریسم را به عنوان یک رفتار مجرمانه قابل توجه، مورد شناسایی قرار داده و جرم‌انگاری نماید و از سوی دیگر، در تلاش است مقابله موثر با آن به ویژه از طریق تعیین و اعمال مجازات‌های کارآمد را عملی سازد.

## منابع

۱. اسلامی، داوود، مقابله با حمایت مالی از تروریسم در اسناد بین المللی و سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، بهار ۱۳۹۵.
۲. زرگر، افشین و عباس یوسفی مقدم، پشتیبانی و تأمین مالی تروریسم، مجموعه مقالات همایش بین المللی ابعاد حقوقی - جرم شناختی تروریسم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۳. سمیعی اصفهانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴)، مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین المللی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پلیس، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۴.
۴. عبداللهی، سامان و هادی کرامتی معز، چالش‌ها و موانع مقابله با تأمین مالی تروریسم، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۷.
۵. عبدی خجسته، محمدرضا، جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران، انتشارات ارشدان، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۶. قنبری، حمید، راهکارهای مبارزه با تأمین مالی تروریسم در حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۷. لارنت چین، پیترو و دیگران، پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم، ترجمه مریم کشتکار، نشر تاش، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
۸. نساج، حمید و دیگران، شناسایی و تأمین منابع مالی

# مؤلفه‌های حقوقی سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی

نویسنده: فرهاد شاهیده<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

## مقدمه

تروریسم مفهومی است که چه در عالم سیاست و چه در حوزه حقوق کاربرد فراوانی دارد. برخی معتقدند که «هر نوع توسل و استفاده از ترور یا خشونت و اقدام‌های مجرمانه‌ای که از سوی یک گروه سازمان‌یافته علیه افراد یا اموال آن‌ها، یا تهدید غیرقانونی به استفاده از این روش‌ها باهدف مرعوب کردن دولت‌ها یا ملت‌ها که شدیداً موجب سلب امنیت و آسایش عمومی است، تروریسم تلقی می‌شود» (شاملو، ۱۳۸۱، ۱۴۰). تروریسم، از جمله جرم‌هایی است که به شدت حاکمیت و امنیت کشورها، را به چالش کشیده است و ضمن گسترش خشونت و تهدید امنیت، بر ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع تأثیرات زیادی گذاشته است و موجب گسترش ناامنی در جهان شده است. حق بر امنیت (امنیت جسمانی - مالی) امروزه، یکی از حق‌های بنیادین مردم محسوب می‌شود. دولت‌ها، به نام و برای تأمین امنیت اشخاص و اموال در برابر بزهکاران و ناقضان قانون از قوای قهرآمیز و غیرقهرآمیز استفاده می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱). افزایش جرایم تروریستی، گسترده بودن آثار آن بر جامعه، محیط زیست، اقتصاد و ...

در سیاست‌گذاری جنایی دولت راجع به جرم، راهبردهای کلی تعریف می‌شود و سپس، این راهبردها وارد حقوق کیفری می‌شود. گسترش روز افزون جرایم تروریستی، سیاست‌گذاران جنایی را بر آن داشته است تا مانع وقوع جرم تروریستی شوند. مناسب‌ترین راه‌حل برای تحقق چنین هدفی، به کاربردن اقدامات پیش‌دستانه است. پیش‌دستی بر پیش‌بینی خطر مبتنی است و پیش‌بینی خطر به عنوان اصل اساسی در حقوق جزا قبل از سال ۲۰۰۱ (واقعه ۱۱ سپتامبر) شناسایی شده است. سیاست‌گذاران در فرایند سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه به مؤلفه‌های مختلف حقوقی توجه می‌کنند. نظامی شدن حقوق کیفری و دفاع مشروع پیش‌دستانه از یک‌سو و بازگشت مفهوم خطرناکی، از سوی دیگر، از مؤلفه‌های حقوقی پیش روی سیاست جنایی است.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌گذاری، پیش‌دستی، امنیت، اقدامات قهرآمیز، تروریسم.

امریکا و سپس برخی کشورها مانند انگلستان، راهبردی را تنظیم نمودند که بر اساس آن اقداماتی علیه تروریست‌های بالقوه با ظرفیت‌های جنایی مختلف می‌بایست صورت می‌پذیرفت. در همین راستا، جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر بیان داشت که «...اگر ما منتظر بمانیم تا تهدید به صورت کامل محقق شود، خیلی تأخیر کردیم، ... ما باید مبارزه را به سمت دشمن پیش ببریم، برنامه‌ریزی او را مختل کنیم و قبل از اینکه تهدیدها به فعل تبدیل شوند با آنها مقابله کنیم» (Bush, 2002).

سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی، رویکرد پساجرم حقوق کیفری را به رویکرد پیشاجرم تغییر می‌دهد و به دنبال ادغام مفهوم امنیت در عدالت کیفری است. ورود مفهوم امنیت ملی در حقوق کیفری موجب رویارویی دو اصل اساسی آزادی و امنیت می‌شود. در این راستا، باید بر اساس شرایط موجود که حاکی از احتمال وقوع جرایم تروریستی در هر زمان و مکان هست، یکی از دو اصل را بر دیگری مقدم نمود. بر همین اساس برخی معتقدند: «آنچه راهکار اصلی پیکار با پدیده تروریسم دانسته شده است، پشتیبانی امنیت ملی، با در تنگنا گذاشتن آزادی‌ها بوده است. به راستی که بزه‌های تروریستی، به‌طور پنهانی و ناشناخته رخ می‌دهند و از این رو، چاره‌ای جز سخت‌گیری و کنترل همه‌جانبه شهروندان نیست. پس در رویارویی امنیت و آزادی، این امنیت است که برتری یافته است...» (عالی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰). در پرتو مبارزه‌های ضد تروریسم، ممکن است خشن‌ترین و شدیدترین پاسخ‌های کیفری بدون وجود اتهام یا محاکمه و حتی به‌رغم صدور حکم برائت به اشخاص تحمیل شود (Amoore & Goede, 2008: 9).

ماهیت متنوع جرایم تروریستی و شدت پیامدهای آن از یک سو و جهانی بودن آن از سوی دیگر، سبب شده است که اسناد بین‌المللی و دولت‌ها، راهبردهای مختلفی را اتخاذ نمایند، یعنی؛ پیشگیری از جرم، جرم‌انگاری، اقدامات ماهوی و شکلی مداخله‌ای قبل از وقوع جرم تروریستی (اقدامات پیش‌دستانه)، پاسخ‌گذاری کیفری و پاسخ‌دهی در قالب فرآیندهای قضایی و نظامی. از همین رو، به حق می‌توان از سیاست جنایی افتراقی<sup>۵</sup> یا به تعبیر دیگر، از

و تهدید امنیت داخلی و بیرونی دولت‌ها از سوی مجرمان تروریستی موجب تحول در نحوه مبارزه با این دسته جرایم شده است و در این راستا، سیاست‌گذاری<sup>۲</sup> برای کنترل و پیشگیری از جرم نیز دستخوش تغییراتی شده است. سیاست‌گذاری عمومی برخاسته از علم سیاست است. مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، سیاست‌گذاری نامیده می‌شود (اشتریان، ۱۳۹۶: ۲۷). سیاست‌گذاری جنایی به مثابه شاخه‌ای از سیاست‌گذاری عمومی در پی آن است تا با بهره‌گیری از نظریه‌های مرتبط با جرم به وضع سیاست‌هایی پردازد که بیشترین تأثیر را بر کاهش میزان جرم دارد (ملک محمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). یکی از سیاست‌های مزبور، سیاست پیش‌دستانه<sup>۳</sup> است که با پیشگیری سرکوب‌گرانه، قلمرو و فضای مداخله سیاست جنایی را توسعه می‌دهد. عدالت پیش‌دستانه با کنترل جرم از رهگذر استفاده از زور، به دنبال پیشگیری از جرایم عمدتاً هولناکی است که ممکن است در آینده ارتکاب یابند (Ashworth & Zedner, 2013: 1). مبارزه با تروریسم یکی از حوزه‌های اصلی سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه است. درهم‌آمیختگی روزافزون امنیت ملی و عدالت کیفری نیاز به گسترش حقوق کیفری را جدی‌تر می‌نماید. در این راستا، باید بر اساس راهبردهای پیشگیرانه و با هدف شناسایی خطر و مداخله قبل از ارتکاب جرم تروریستی به وضعیت پیش از جرم توجه شود. بر همین اساس است که لوسیا زدنر<sup>۴</sup> به «پیش‌بینی خطر و حتی پاسخ‌های مقدم بر رفتار مخاطره‌آمیز و تبدیل پسا جرم محوری عدالت کیفری به منطق پیشاجرم» (Zedner, 2007: 261).

سیاست جنایی پیش‌دستانه بر مداخله‌های حقوق کیفری در پیشگیری از جرم و ماهیت سرکوب‌گرانه اقدامات پیشگیرانه تأکید دارد و به جای علت‌شناسی و ارزیابی ریشه‌های تروریسم به از بین بردن تروریست‌های احتمالی تمرکز می‌کند. در سیاست‌گذاری پیش‌دستانه نباید منتظر ارتکاب جرایم تروریستی و سپس واکنش در برابر آن بود، بلکه هدف اصلی آن است که افرادی که در صدد ارتکاب جرایم تروریستی هستند، حتی بدون عنوان اتهام جرم تروریستی خنثی شوند. از این رو، ابتدا، دولت ایالات متحده

## 2. Policy Making

### 3. Pre-emptive

#### 4. Lucia Zedner

۵. اصطلاح «پیشاجرم» (Pre-crime) از داستان کوتاه فیلیپ کی. دیک با نام «گزارش اقلیت» (Minority Report) در دهه ۱۹۵۰ اقتباس شده است. در داستان تخیلی دیک، پلیس که به اقدامات پیش از جرم تمرکز دارد می‌تواند قتل‌های عمدی که در آینده صورت می‌گیرد را پیش‌بینی نماید و مرتکبان احتمالی را قبل از وقوع قتل شناسایی نماید (Zedner, 2000: 210).

۶. عدالت اقتضا می‌کند که حقوق کیفری در اصول، رویکرد و پاسخ‌های خود بر اساس تحولات موجود در سده بیستم بازنگری کند و بسیاری از آنها را در پرتو متنوع شدن جرایم، مجازات‌ها، مجرمان و ... بازتعریف نماید. فرایند افتراقی‌سازی سیاست جنایی، ضمن متحول کردن اصول و راهبردهای آن، به متکثر شدن گفتمان سیاست کیفری قانون‌گذار - مفهوم مضیق سیاست جنایی - در قلمرو حقوق کیفری ماهوی و شکلی انجامید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۵۹ و ۵۵).



پیشگیرانه از جرم می‌رویم، اما اگر آن را یک فرا جرم و به اصطلاح یک «جنگ» بدانیم، پیشگیری غیرقهرآمیز به پیش‌دستی قهرآمیز و همراه با سرکوب تبدیل می‌شود. پس از حملات یازده سپتامبر دادستان کل ایالات متحده آمریکا، جان اشکرافت،<sup>۹</sup> به «اختیار اقدامات قهرآمیز، مانند آنچه در قانون میهن پرستی مصوب ۲۰۰۱ م. آمده است، علیه تهدید آشکار به عنوان پارادایم نوین در پیشگیری از جرم» اشاره کرد (Cole, ۲۰۰۶: ۱۶). در همین راستا، فلدمن معتقد است که اگر تروریسم را رفتاری بدانیم که زندگی یک ملت را به چالش می‌کشد، آن‌گاه رفتار تروریستی از دیدگاه سیاست‌گذاران، یک خطر نظامی است. اما در حالی که میزان خطر پایین باشد، رفتارهای تروریستی به عنوان ناقض حقوق کیفری تلقی خواهند شد (Fiedman, ۲۰۰۲: ۴۶۵).

سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی، رویکرد پسا جرم حقوق کیفری را به رویکرد پیشاً جرم تغییر می‌دهد و به دنبال ادغام مفهوم امنیت در عدالت کیفری است.

### ۱-۱. حاکمیت شرایط جنگی بر حقوق کیفری

علل سیاسی، تحولات اقتصادی و جرم شناختی نقش مؤثری در فرایند شکل‌گیری سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه داشته است. در راستای سیاسی شدن مفهوم جرم از اواخر دهه ۱۹۶۰ م. و اوایل دهه ۱۹۷۰ م. برخی سیاست‌گذاران بحران موجود در سیاست جنایی کشورها، از قبیل عدم کارایی پاسخ‌ها به جرایم را ناشی از سیاست‌های دولت‌های رفاه می‌دانستند. این چرخش ایدئولوژیکی سیاست‌گذاران جنایی از نگاه لیبرالی به محافظه کاری موجب شکل‌گیری تدریجی سیاست جنگ با جرم شد. زمینه‌های اقتصادی نیز نقش مهمی در ایجاد شرایط جنگی در عدالت کیفری داشته است. بحران‌های اقتصادی دهه‌های پایانی قرن بیستم، فقر، بیکاری و فعالیت‌های گسترده جنینش‌های ضد سرمایه‌داری منجر به شکست سیاست‌گذاری‌های جنایی مُدارا کننده مدل رفاه و سیاست‌گذاری‌های کنترل‌کننده و مبتنی بر خطر احتمالی شد (طاهری، ۱۳۹۲: ۲۹ و ۲۶). رشد نرخ بزهکاری، شکست سیاست اصلاح و درمان و گسترش ترس از جرم در جامعه نیز زمینه‌های

سیاست جنایی ترکیبی<sup>۷</sup> در برابر بزهکاری تروریستی سخن به میان آورد، سیاست جنایی‌ای که از تمام ظرفیت‌های دولتی و جامعه ملی و بین‌المللی برای کنترل اجتماعی مصادیق بزهکاری تروریستی استفاده می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۴۷۴-۴۷۳). بر همین اساس، عمده جرایم، یعنی اعمال و رفتارهایی که هسته حقوق کیفری محسوب می‌شوند در قانون مجازات عمومی کشورها پیش‌بینی می‌شود و با مفاد قانون آیین دادرسی کیفری، راهبرد اصلی سیاست جنایی یک کشور را تشکیل می‌دهد. به این راهبرد عمومی، به تدریج راهبردهای دیگری مانند تأمین امنیت ملی، اضافه شده است که معمولاً، از اصول عمومی قانون مجازات و آیین دادرسی کیفری پیروی نمی‌کند؛ در این زمینه می‌توان به راهبردهای پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی اشاره کرد که یکی از نمونه‌های افتراقی‌سازی در سیاست جنایی است.

سیاست‌گذار جنایی تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف مانند عوامل انسانی و اجتماعی با جرم‌انگاری برخی رفتارها در حقوق و آزادی‌های فردی پیش‌روی می‌نماید و آنها را محدودتر می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۳۸۳). این نوشتار، به دنبال تبیین فرایند تدوین و تنظیم سیاست جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی است تا علت شکل‌گیری سیاست جنایی پیش‌دستانه مشخص شود. بر این اساس، در پشت این نوع سیاست‌گذاری جنایی، مؤلفه‌های حقوقی مانند نظامی‌گرایی حقوق کیفری، دفاع مشروع پیش‌دستانه و بازگشت مفهوم خطرناکی می‌بایست تحلیل شوند تا فرایند پیش‌روی سیاست جنایی در برابر جرایم تروریستی مشخص شود.<sup>۸</sup>

### ۱. نظامی‌گرایی حقوق کیفری داخلی

اینکه اعمال تروریستی به عنوان یک رفتار جنگی یا یک جرم شناخته شود، نقش مؤثری در نوع پیشگیری (اعم از پیشگیری به معنای خاص و پیش‌دستی) دارد. اگر آن را یک جرم بدانیم که برای پیشگیری از آن صرفاً به سازوکارهای

## 7. Combinatory Criminal Policy.

۸. گفتنی است تقسیم‌بندی مؤلفه‌ها به دلیل حوزه مطالعاتی نویسندگان، بر اساس آموزه‌های علوم جنایی صورت گرفته است. به عبارتی دیگر، حتی آموزه‌های غیرحقوقی که در این جستار بررسی می‌شوند، جزو آموزه‌های مرتبط با حقوق کیفری و جرم‌شناسی هستند. در هر حال، مؤلفه‌های پیش‌گفته از بارزترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه هستند و مواردی مانند دشمن‌مداری حقوق کیفری، فرهنگ کنترل جرم و ... نیز در این میان قابل بررسی هستند، که البته به صورت گذرا به آنها نیز پرداخته شده است. همچنین، از آنجا که اساس سیاست‌گذاری جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، بیشتر در کشور آمریکا و سپس فرانسه و انگلیس مورد استقبال قرار گرفت و وارد حوزه حقوق کیفری آنها هم شد، لذا به سیاست‌گذاری جنایی کشورهای پیش‌گفته نیز اشاره شده است.

## 9. John Ashcroft.

## 10. Patriot Act 2001.

و تحقیقات مقدماتی که از وظایف بارز نهادهای قضایی است، توسط سرویس‌های اطلاعاتی صورت گرفت و ادامه فرایند دادرسی نیز، مانند بازداشت اشخاص، کیفردهی و اجرای آن، به کمیسیون‌های نظامی محول شد. در همین راستا، دادستان کل فدرال استرالیا، فیلیپ روداک،<sup>۱۳</sup> مقررات مربوط به بازداشت پیشگیرانه و دستورهای نظارت را بدون نیاز به وجود اتهام یا محکومیت کیفری و در راستای اینکه تضمین نماید «ما در قوی‌ترین موقعیت برای پیشگیری از خطرات جدید و در حال ظهور هستیم»، توجیه نمود (Commonwealth, ۲۰۰۵). یکی دیگر از جلوه‌های اداری شدن حقوق کیفری را می‌توان در «دستور نظارت»<sup>۱۴</sup> بر اشخاص مظنون به رفتارهای تروریستی ملاحظه نمود. طبق قانون پیشگیری از تروریسم مصوب ۲۰۰۵<sup>۱۵</sup> که در سال ۲۰۱۱ به موجب قانون تدابیر مربوط به تحقیق و پیشگیری از تروریسم<sup>۱۶</sup> منسوخ شد، وزارت کشور می‌توانست در مورد اشخاصی را که تهدیدی علیه امنیت کشور محسوب می‌شدند محدودیت‌هایی را مانند منع رفت‌وآمد، محدودیت در اقامت در محل معین و محدودیت در استفاده از اینترنت به کار ببندهد. در کشور فرانسه نیز با تصویب قانون راجع به امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم مصوب ۲۰۱۷<sup>۱۷</sup> به سرویس‌های امنیتی اجازه داده شده است تا مکان‌هایی که محل عبادت یا پرستش ادیان مختلف از جمله مسلمانان است را با ظن بر تحرکات تروریستی حتی بدون دستور قضایی بازرسی و یا تعطیل کنند. در ماده ۴۱۲ قانون میهن پرستی آمریکا نیز از دولت خواسته شده است که به عنوان یک ابزار ضروری، با تهدید تروریستی قریب‌الوقوع مبارزه نماید. سیاست‌گذاران جنایی ایران نیز در برخی موارد دولت را مکلف به مبارزه با تروریسم نموده است. برای نمونه به موجب ماده واحده قانون لزوم بازرسی و انگشت‌نگاری از اتباع آمریکایی در مبادی ورودی کشور مصوب ۱۳۸۵: «دولت موظف است از کلیه اتباع آمریکایی در مبادی ورودی کشور و صدور روادید متناسب با رفتار آمریکا، بازرسی و انگشت‌نگاری نماید». همچنین، بر اساس مواد ۲ و ۳ قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان «سازمان تروریستی توسط ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۳۹۸، دولت موظف است در چهارچوب مصوبات شورای عالی امنیت ملی در برابر اقدامات تروریستی نیروهای آمریکایی که منافع جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره می‌اندازند، اقدامات متقابل و قاطع بر اساس این قانون به‌عمل آورد و در زمان

جرم‌شناختی ایجاد سیاست‌های جنگ با جرم تروریستی را فراهم نموده است. بر همین اساس، تنها چند ساعت بعد از واقعه یازده سپتامبر، رئیس‌جمهور آمریکا خبر از تحول در سیاست‌گذاری در مبارزه با تروریسم داد: «جنگ علیه تروریسم». یکسان دانستن حملات تروریستی به برج‌های دو قلو با تجاوز مسلحانه، نقطه آغازین این تحول بود. به کارگیری واژه «جنگ» برای این سیاست با هدف عبور از محدودیت‌های حقوق کیفری و بهره بردن از امتیازهای حقوق جنگ طراحی شده است. زیرا، در جنگ می‌توان در شرایط دشمن یا تروریست‌های احتمالی را کشت. همچنین، می‌توان تروریست‌ها را تا پایان جنگ بدون نیاز به مدرک و بی آنکه مرتکب جرمی مشخص شده باشند زندانی کرد؛ در حالی که با حقوق کیفری چنین اقدام‌هایی ممکن نیست (صدر توحیدخانه، ۱۳۹۳: ۶۴۷-۶۴۶). بر این اساس، جنگ با جرم در حوزه فراملی در عراق و افغانستان و در حوزه ملی در داخل کشور آمریکا شروع شد. در این پارادایم جدید، گفتمان‌های عدالت کیفری نیز تغییر کرد و مفهوم جنگاوران نامشروع دشمن<sup>۱۱</sup> و کمیسیون‌های نظامی<sup>۱۲</sup> پایه‌ریزی شدند (عمرانی، ۱۳۸۷: ۹۲۹). پارادایم جنگ علیه جرم بتدریج موجب انسانیت‌زدایی از حقوق کیفری و فاصله گرفتن سیاست‌گذاری از اصول اخلاقی شده است. نظامی شدن حقوق کیفری داخلی به معنای سیاست‌گذاری یک نظام منسجم حقوقی توسط دولت ایالات متحده آمریکا نیست، بلکه اتفاقاً به معنای وجود یک نظام عدالت کیفری مبهم است که از یک سو، مفاهیم جنگی وارد آن شده است و موجب تحول در نظام‌های قضایی شده است و از سوی دیگر، اصل تفکیک قوا را چه در مرحله قانون‌گذاری و چه در مرحله دادرسی (قضایی) نقض کرده است.

## ۲-۱. اداری/اجرائی شدن حقوق کیفری

نظامی‌گرایی و دور شدن از عدالت کیفری مرسوم در سیاست‌گذاری پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی موجب جابجایی قدرت و پررنگ شدن نقش عوامل فراقضایی در چرخه عدالت کیفری و در نتیجه، اداری/اجرائی شدن حقوق کیفری می‌شود. بدین توضیح که در سال ۲۰۰۱ م. دولت بوش با اصرار بر اینکه کشور در وضعیت جنگی به سر می‌برد، به دنبال گسترش قدرت قوه مجریه بود. با افزایش قدرت دولت، آزادی‌های مدنی نیز کاهش یافت

11. Unlawful Enemy Combatant.

12. Military Commissions.

13. Philip Ruddock.

14. Control order.

15. Prevention of Terrorism Act 2005.

16. Terrorism Prevention and Investigation Measures Act 2011.

17. Reinforce Internal Security and the Fight Against Terrorism Act 2017.

است که در حوزه دفاع مشروع مطرح است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر دولت‌ها و جامعه جهانی اقدامات تروریستی را مشابه جنگ دانستند، برای خود در برابر تروریست‌ها حق «دفاع مشروع» قائل شدند (گنج بخش و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۵) و در همین راستا، فرایند پذیرش دفاع مشروع پیش‌دستانه<sup>۱۸</sup> سرعت بیش‌تری پیدا نمود. طبق دکترین دفاع پیش‌دستانه، پاسخ مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع و یا آنجا که حمله‌ای صورت گرفته است و دولت قربانی دریافته است که حملات بیش‌تری در حال طراحی است که در آینده انجام بپذیرد، مجاز و مشروع است. بدین‌سان، دفاع پیش‌دستانه توسل به زور را در چندین حالت مجاز می‌شمارد؛ حالت اول آنکه شواهد متقاعد کننده‌ای مبتنی بر وقوع یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع وجود داشته باشد، دوم آنکه دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعد کننده‌ای مبنی بر حملات آتی دشمن در اختیار داشته باشد. در این حالت نیازی به منتظر ماندن دولت قربانی نیست و آن دولت می‌تواند قبل از وقوع حملات آتی به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل شود؛ اما در صورت فقدان شواهد متقاعد کننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه تحت عنوان دفاع از خود، غیرقانونی و غیرمشروع خواهد بود (شریفی، ۱۳۸۲: ۹۶).

پیشگیری از صدمات ناشی از رفتارهای تروریستی از طریق پیش‌دستی نسبت به تهدیدهای موجود، منطبق غالب اقدامات ضد تروریستی پس از یازده سپتامبر است. در این راستا، سازمان ملل متحد به عنوان رکن عالی سیاست‌گذاری در سطح جهانی و شورای امنیت سازمان ملل نسبت به گذشته با موضوع تروریسم برخوردی کاملاً متفاوت و بسیار شدید داشت. از آنجا که بخشی از سیاست‌های شورای امنیت در برابر جرایم تروریستی بر سیاست جنایی ملی کشورها اثر می‌گذارد، این شورا در ۱۲ سپتامبر، یعنی کمتر از ۲۴ ساعت پس از واقعه تروریستی مزبور، تشکیل جلسه داد تا به این موضوع رسیدگی کند.<sup>۲۰</sup> قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد مورخ ۱۲ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ به وضوح بیان می‌دارند که حملات تروریستی یازده سپتامبر «همانند هر عمل تروریستی بین‌المللی دیگری، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند» (عمرانی، همان منبع: ۹۴۰).

مقتضی با اقدامات ضروری و هوشمندانه به گونه‌ای عمل کنند که نیروهای آمریکایی نتوانند از هرگونه توان و امکانات علیه منافع جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند. آنچه از مقررات فوق بنظر می‌رسد آن است که سیاست‌گذاران جنایی ایران در راستای مقابله به مثل، دولت را قبل از بروز خطر و تهدید، موظف به اجرای اقدامات پیش‌دستانه نموده است تا نیروها، سازمان‌ها و یا نهادهای تحت اختیار فرماندهی مرکزی آمریکا (سنت‌کام)، که به موجب ماده ۱ همین قانون تروریست اعلام شده‌اند، نتوانند علیه منافع ایران اقدامی انجام دهند.

در سیاست جنگ با تروریسم که یکی از مؤلفه‌های اصلی سیاست‌گذاری پیش‌دستانه نیز است، دولت دست به پیش‌روی در نظام حقوقی داخلی کشور می‌زند: ۱. با دخالت در قانون‌گذاری (مانند فشار دولت به کنگره برای تصویب فوری قانون پاتریوت که در نهایت در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۰۱ م. به تصویب رسید، اما به شکلی که برخی افراد کنگره مدعی بودند که حتی کپی کاملی از چیزی که به آن رأی داده اند را ندیده‌اند!) (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۳۲۷) به دنبال تأمین امنیت در جامعه است. اما با توجه به تصویب برخی قوانین که بدان اشاره شد، بین خودی‌ها و غیرخودی‌ها، مانند شهروندان داخلی و خارجی، تمایز قائل شده‌اند که منجر به ایجاد تبعیض در بین اعضای جامعه می‌شود. ۲. با مداخله در نهادهای قضایی افزون بر صلاحیت زدایی از دادگاه‌ها و انتقال رسیدگی به جرایم تروریستی به مراکز نظامی، مانند تشکیل کمیسیون‌های نظامی در سال ۲۰۰۱ در آمریکا<sup>۱۸</sup>؛ تحقیقات مقدماتی نیز از طریق مراکز سرتی ارتش یا سرویس‌های اطلاعاتی صورت می‌گیرد که منجر به تشدید تفتیشی شدن دادرسی در این مرحله شده است. بدین‌سان، علاوه بر نقض اصل اساسی تفکیک قوا، برخی اصول دادرسی کیفری منصفانه از قبیل حق سکوت متهم، علنی بودن دادرسی، اصل منع شکنجه و ... که زیر بنای اصل برائت هستند و اصول مسلم حقوق کیفری ماهوی مانند اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصل شخصی بودن مجازات‌ها در مبارزه با تروریسم به فراموشی سپرده شدند.

## ۲. دفاع مشروع پیش‌دستانه

مفهوم دفاع پیش‌دستانه یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی

۱۸. دستور دولت بوش در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ برای تشکیل کمیسیون‌های نظامی برای رسیدگی به اتهامات مظنونین به عملیات تروریستی که مورد ایراد برخی دادگاه‌های آمریکا قرار گرفته بود، در سال ۲۰۰۶ مورد تصویب مراجع قانون‌گذاری قرار گرفت و رفتار دولت تا قبل از تصویب قانون را صحیح دانست (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۹۹).

### 19. Pre-emptive self-defence

۲۰. قوانین ضد تروریستی، همان سیاست‌های بین‌المللی در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت هستند که پس از یازده سپتامبر در کشورهای مختلف به طور گسترده‌ای تصویب شده‌اند.

### 21. Res/A/56/L.1368 ,1.

زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم را فراهم کرده است. از این رو، اساس و بنیان سیاست جنایی پیش‌دستانه که ریشه در مبانی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل دارد،<sup>۲۵</sup> وارد حقوق کیفری ملی برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا شده است؛ به طوری که هرچند قوانین و تدابیر اتخاذ شده در کشورهای مذکور به لحاظ جزئیات از یکدیگر متفاوت هستند، اما برآیند سیاست‌گذاری آنها، چرخش حقوق کیفری از پسا جرم به پیشا جرم و امنیتی شدن عدالت کیفری است.

### ۳. بازگشت مفهوم خطرناکی

خطرناکی یا حالت خطرناک مفهومی است که در دوره‌های مختلف، تحت تأثیر مکاتب و آموزه‌های علوم جنایی حاکم، دچار نقش‌ها و کارکردهای متفاوتی شد. این مفهوم در اوار سده نوزدهم، تحت تأثیر مکتب تحقیقی، با اقدام دفاع اجتماعی موجب طرد و خنثی‌سازی بزهکار می‌شد. از اواسط سده بیستم به بعد، اقدام‌های تأمینی و تربیتی، مبنای بازپروری و اصلاح مجرمان در جرم‌شناسی بالینی قرار گرفت (ایارگر، ۱۳۹۶: ۷۹). پس از شکست سیاست اصلاح و درمان بزهکاران، دیدگاه تازه‌ای متولد شد که با رویکرد مدیریت، تمام عرصه‌های سیاست جنایی را تحت تأثیر قرار داده است و به دنبال کاهش و کنترل خطر بزهکاری است. از این رو، سیاست‌گذاری جنایی برخی کشورها در دهه‌های اخیر و بخصوص پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ در آمریکا نسبت به جرایم تروریستی، از سایر جرایم عادی فاصله گرفته است و به سمت پیش‌دستی در برابر خطرهای احتمالی گام برداشته است.

در این راستا، می‌توان میان سیاست جنایی پیش‌دستانه و سیاست جنایی ریسک‌مدار<sup>۲۶</sup> از یک سو و اقدامات تأمینی و تربیتی که در برابر حالت خطرناک اعمال می‌شوند، از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرد، زیرا مفهوم خطر و اقدامات تأمینی و تربیتی در بیشتر نظام‌های حقوقی امری شناخته شده است و مقابله با صدمات احتمالی و کنترل خطر ارتکاب جرایم تروریستی از طریق تدابیر پیش‌دستانه به

شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۱۳۶۸<sup>۲۱</sup> و شناسایی حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق منشور ملل متحد، به عنوان یکی از کنش‌گران سیاست‌گذاری در سطح بین‌المللی، ضمن کمک به تلقی نمودن واقعه یازده سپتامبر به عنوان یک تجاوز نظامی، به واکنش پیش‌دستانه ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها به تروریسم مشروعیت بخشید. بر این اساس، اصطلاح دفاع پیش‌دستانه در سند استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۳ م. ایالات متحده آمریکا مفهوم سنتی دفاع مشروع را از حمله فوری به تهدید غیرفوری گسترش داد، به گونه‌ای که برخی آن را دکترین بوش<sup>۲۲</sup> می‌نامند (شریفی طرازکوهی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲: ۱۱).

قطعنامه ۱۳۷۳<sup>۲۳</sup> نیز بر یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست جنایی پیش‌دستانه، یعنی جرم‌انگاری پیش‌دستانه تأکید نمود. با توجه به اینکه شریان حیاتی تروریست‌ها، منابع مالی‌ای است که به آنها تزریق می‌شود، سیاست‌گذاران جنایی در سطح بین‌المللی به این موضوع توجه نموده‌اند تا با ضربه به حیات اقتصادی تروریست‌ها، مانع فعالیت‌های مجرمانه آنها شوند. بر همین اساس، حوزه سیاست‌گذاری دومین قطعنامه در ماه سپتامبر نیز بر سرکوب تروریسم از طریق منابع و بنیان‌های مالی آن است. در این قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است تا از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و با آن مبارزه کنند و هرگونه تأمین مالی اعمال تروریستی در کشور خود را به صورت پیش‌دستانه، جرم‌انگاری<sup>۲۴</sup> نمایند، منابع اقتصادی یا اندوخته‌های مالی مرتکبان اعمال تروریستی یا کسانی که برای ارتکاب اعمال تروریستی تلاش می‌کنند یا کسانی که در ارتکاب این اعمال مشارکت می‌کنند یا ارتکاب آن را تسهیل می‌کنند را فوری مسدود نمایند و از تهیه منابع مالی برای گروه‌های تروریستی پیشگیری نمایند. کشور ایران نیز در راستای خنثی‌سازی تهدیدهای تروریستی با تأمین مالی تروریسم مبارزه می‌نماید. هرچند، تروریسم در قوانین کیفری ایران به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است، اما تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (اصلاحی ۱۳۹۷) و قانون مبارزه با پولشویی (اصلاحی ۱۳۹۷)

## 22. Bush doctrine.

## 23. S/Res/1373.

۲۴. جرم‌انگاری پیش‌دستانه بدین معناست که قانون‌گذار، رفتاری را که سابقه ارتکاب ندارد و هنوز رخ نداده، اما احتمال ارتکاب آن در آینده هست، ممنوع می‌سازد. بدین‌سان، منظور از جرم‌انگاری پیش‌دستانه، به استقبالی جرم‌انگاری رفتارهایی است که صیغه کیفری ندارند (عالی پور، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

۲۵. اقدامات پیش‌دستانه و پیشگیرانه به عنوان یکی از مباحث اصلی دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، نظرات متفاوتی را در این عرصه به دنبال داشته‌اند. در خصوص تمایز دفاع پیش‌دستانه (preemptive defence با دفاع پیشگیرانه (preventive defence)) در حقوق بین‌الملل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. آنی بودن تهدید ویژگی اصلی کنش پیش‌دستانه است. اقدامات پیش‌دستانه بر کنشی آنی و مبتنی بر دلایلی هستند که نشان می‌دهد دشمن آماده فوری برای ضربه زدن است؛ ۲. به لحاظ مشروعیت حقوقی، حقوق بین‌الملل پیش‌دستی را برخلاف کنش‌های پیش‌گیرانه اجازه می‌دهد. کنش پیش‌دستانه به مفهوم دفاع مشروع، پیش‌بینی شده در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، بسیار نزدیک است، اما دفاع پیشگیرانه کنش‌هایی را در بر می‌گیرد که برای جلوگیری از یک تهدید آینده، قابل قبول ولی احتمالی به کار گرفته می‌شوند (دلماز مارتی، ۱۳۹۳: ۱۰۱۱).

## 26. Risk-Oriented Criminal Policy.

مردم و نیاز آنها به تأمین امنیت، کنش‌گران عدالت کیفری را به سوی سیاست‌گذاری در این حوزه پیش می‌برد. در راستای گسترش جرایم تروریستی، به خصوص پس از واقعه تروریستی یازده سپتامبر و محدودیت کارکردی حقوق کیفری، تغییر در نحوه مبارزه با جرایم تروریستی در دستور کار سیاست‌گذاران جنایی برخی کشورها قرار گرفت. پس از این مرحله، مسأله اتخاذ یک سیاست که از حمایت اکثریت جامعه نیز برخوردار باشد مطرح می‌شود که با توجه به فشار افکار عمومی، چه به صورت واقعی و چه به شکل هدایت شده از سوی حاکمان سیاسی از یک سو و عدم موفقیت سازوکارهای پیشین عدالت کیفری در مبارزه با تروریسم از سوی دیگر، سیاست جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی در دستور کار دولت‌ها از جمله ایالات متحده و فرانسه قرار گرفت. با پشت سر گذاشتن مراحل فوق، قوانین و مقررات کیفری پیش‌دستانه با در نظر گرفتن مؤلفه‌های حقوقی و غیرحقوقی مختلفی در این کشورها تصویب شد که برآیند سیاست‌گذاری و به عبارت دیگر، سیاست جنایی آنها در برابر جرایم تروریستی نامیده می‌شود. در انتها نیز پس از اقدامات پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی که در حال اجرا است، باید محتوای این قبیل اقدامات را ارزیابی کرد که آیا تأثیرگذار بوده‌اند یا خیر.

گسترش فرهنگ کنترل جرم و سرکوب‌گرایی به بهانه تأمین امنیت، زمینه دور شدن از عدالت کیفری قاعده‌مند بکاربایی و گسترش شکل افراطی مکتب دفاع اجتماعی در قالب تأمین دفاع از جامعه به هر صورت ممکن؛ حتی به بهای از بین رفتن بسیاری از اصول اساسی حقوق کیفری و اخلاق زدایی از آن، از نتایج سیاست جنایی پیش‌دستانه است. در راهبرد ضد تروریسم سیاست جنایی پیش‌دستانه که نمونه‌ای از حقوق کیفری پیشا جرم است، گستره وسیعی از رفتارها و افراد داخل حقوق کیفری قرار می‌گیرند. بر همین اساس، باید بین حقوق افراد و تأمین امنیت در جامعه، هم‌گرایی و تعادل ایجاد کرد. در این راستا، باید اصل تفکیک قوا و عدم مداخله هیجانی مقامات اجرایی در فرایند مبارزه پیش‌دستانه با جرایم تروریستی رعایت شود. سیاست‌گذاران جنایی نیز باید در فرایند سیاست‌گذاری حقوق تمامی افراد را به صورت مساوی پیش‌بینی نمایند. هرچند خود پدیده تروریسم، سیاست‌گذاران را ناگزیر از طراحی سیاست جنایی پیش‌دستانه کرده است، اما اقدامات پیش‌دستانه نیز باید به نوعی اجرا شود که تا حد ممکن اصول و موازین حقوق کیفری مانند اصل قانونی بودن جرایم

امری غیرقابل انکار تبدیل شده است. به این توضیح که نخست؛ گسترش مفهوم دفاع اجتماعی آدولف پرنس<sup>۲۷</sup> و استفاده سیاست‌گذاران جنایی از این مفهوم برای از بین بردن هرگونه خطر قبل از آنکه بروز نماید، زمینه مداخله در موقعیت‌های خطرناک، مانند قانون کیفری مصوب ۱۹۲۶ شوروی سابق که بر اساس آن صدور حکم به اقدامات دفاع اجتماعی منوط به ارتکاب جرم نبود، را فراهم نمود (بابائی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). دوم؛ ماهیت خطرناک و خشونت‌آمیز جرایم تروریستی و حالت خطرناک مجرمان آن نقش مؤثری در ورود مفهوم خطرناکی به فرایند سیاست‌گذاری جنایی در برابر جرایم تروریستی داشته است و از همین رو است که عدالت پیش‌دستانه در برخی موارد جنبه اقدام تأمینی امنیتی یافته‌اند و حقوق کیفری نیز خشن شده است و مرتکب رفتارهای هیجانی می‌شود. سوم، سیاست جنایی پیش‌دستانه در برابر جرایم تروریستی از آموزه‌های مکتب جرم‌شناختی تحققی الهام گرفته است، اما با این تفاوت که هدف آن مکتب از پیش‌بینی حالت خطرناک، اصلاح و درمان از طریق روش‌های غیرقهرآمیز بود، در حالی که سیاست جنایی پیش‌دستانه در مقابل آن قرار دارد. یعنی ابزار سیاست جنایی پیش‌دستانه استفاده از اقدامات قهرآمیز<sup>۲۸</sup> برای کنترل جرایم تروریستی است (Ashworth & Zedner, ۲۰۱۴: ۵). از همین رو، سیاست جنایی پیش‌دستانه بیان‌گر جرم‌انگاری‌ها و اقدامات کیفری و اداری مختلفی است که با رویکرد خطرمدار، ویژگی سرکوب‌گری پاسخ‌های کیفری را به عنوان یک عامل پیش‌دستانه حفظ می‌کند. در نهایت؛ رویکرد خطرمدار با پیش‌بینی و محاسبه میزان خطرناکی مجرمان تروریستی از طریق سنجیدن عواملی در ارتباط با مجرم تروریستی با معیارهای ثابت و جمعی و نه فردی، آن‌ها را در گروه‌های از پیش تعیین‌شده‌ای قرار می‌دهد و به دنبال توان‌گیری<sup>۲۹</sup> آن‌ها است (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۵۲) و سیاست جنایی پیش‌دستانه نیز برخی گروه‌ها مانند مهاجران را از جمله عواملی می‌داند که می‌تواند زمینه‌ساز مداخله‌های پیش‌دستانه که به دنبال تأمین امنیت و دفع خطر احتمالی است، شود.

### نتیجه‌گیری

در فرایند سیاست‌گذاری جنایی، ابتدا یک مسأله عمومی که در جامعه به یک دغدغه یا چالش تبدیل شده است، مطرح می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائل در عصر حاضر، تأمین امنیت در برابر جرایم تروریستی است. نگرانی‌های

27. Adolf Prins.

28. Coercive measures.

29. Incapacitation.

حقوق بین‌الملل، با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۱.

۸. شریفی طراز کوهی، حسین و بارین چهاربخش، ویکتور، (۱۳۹۲)، دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۰.

۹. صدر توحیدخانه، محمد، (۱۳۹۳)، حقوق در چنبره «دشمن»، از سیاست آمریکایی «جنگ با ترور» تا نظریه آلمانی «حقوق کیفری دشمنان»، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها): کتاب اول، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.

۱۰. طاهری، سمانه، (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

۱۱. عالی پور، حسن، (۱۳۸۷)، توازن میان امنیت و آزادی‌های فردی در مقابله با جرایم تروریستی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۲. عمرانی، سلمان، (۱۳۸۷)، پارادایم «جنگ علیه تروریسم» و کرامت انسانی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.

۱۳. قلی پور، رحمت‌اله و غلام‌پور آهنگر، ابراهیم، (۱۳۸۹)، فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

۱۴. گنج‌بخش، محمود و دیگران، (۱۳۹۵)، حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین‌الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین‌المللی، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱.

۱۵. ملک محمدی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.

۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه در: مدیریت انسان مدار ریسک جرم، سودابه رضوانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۶)، جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیپاچه در: جرم‌شناسی فراملی، به کوشش: حمیدرضا نیکوکار، نشر میزان، تهران، چاپ اول.

و مجازات‌ها، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل رعایت کرامت انسانی رعایت شود و شخصیت انسانی مظنونان تروریستی به فراموشی سپرده نشود. به حداقل رساندن اختیارات مقامات اجرایی در به کار بردن اقدامات قهرآمیز پیش‌دستانه و نظارت مقام قضایی بر این دسته اقدامات یکی دیگر از موارد ضروری در این حوزه است. همچنین، از آنجا که رویکرد حقوق کیفری ایران به جرایم تروریستی مانند سایر جرایم، پسا جرم است، به سازوکارهای پیش‌دستانه توجه چندانی نشده است و برخی اقدامات صورت گرفته، مانند تصویب قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (اصلاحی ۱۳۹۷) نیز، در راستای بعضی الزامات و سیاست‌گذاری‌های جنایی بین‌المللی شکل گرفته‌اند. به همین دلیل توجه سیاست‌گذاران جنایی ایران به اقدامات پیش‌دستانه، مانند نظارت به مظنونان تروریستی، به عنوان بخشی از حقوق کیفری شکلی افتراقی و جرم‌نگاری‌های پیش‌دستانه، مانند جرم‌نگاری آموزش اعمال تروریستی، در قالب حقوق کیفری ماهوی افتراقی ضروری است.

#### منابع:

۱. اشتریان، کیومرث، (۱۳۹۶)، سیاست‌گذاری عمومی ایران، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.

۲. ایازگر، حسین، (۱۳۹۶)، نظارت بر مجرمان خطرناک (با رویکرد حقوقی - جرم‌شناسی)، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین، چاپ اول.

۳. آقابابایی، حسین، امنیت، (۱۳۹۰)، آزادی شخصی و مدیریت خطر جرایم امنیتی، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۴. بابائی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.

۵. دلماس مارتی، میری، (۱۳۹۳)، پارادایم جنگ علیه جرم؛ مشروع ساختن امر غیرانسانی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها): کتاب اول، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.

۶. شاملو، باقر، (۱۳۸۱)، تفکیک بین تروریسم و جرم سیاسی، در: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه‌شده به همایش، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ اول.

۷. شریفی، محسن، (۱۳۸۲)، تحول مفهوم دفاع مشروع در

Pre-emption in Australia's Domestic Anti-terrorism Legislation, *International journal for crime, justice and social democracy, IJCJ* 1(1).

30. Wolfendale, J, (2007), *Terrorism, Security, and the Threat of Counterterrorism, Studies in Conflict and Terrorism*, 30.

31. Zedner, L, (2007), *Pre-Crime and Post-Criminology?*, *Theoretical Criminology*, 11.

32. Zedner, L, (2000), *The Pursuit of Security*, in T. Hope and R. Sparks, eds, *Crime, Risk and Insecurity: Law and Order in Everyday Life and Political Discourse*. London & New York: Routledge.

۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۵)، دربارهٔ سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در: درآمدی بر سیاست جنایی، ویراست چهارم، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم.

۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۵)، سیاست جنایی: از مدل‌ها تا جنبش‌ها، دیباچه در: نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، می‌ری دلماس-مارتی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۷)، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، در: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، نشر میزان، چاپ اول.

21. Amore, L. & de Goede, M, (2008), *Introduction: Governing by Risk in the War on Terror*, Oxon: Routledge.

22. Ashworth, A & Zedner, L, (2014), *Preventive Justice*, Oxford University Press.

23. ...., (2013), *Prevention and The Limits of Criminal Law*, London, Oxford University Press.

24. Bush, G, (2002), *The National Security Strategy of the United States of America*. Washington: The White House.

25. Cole, D, (2006), *Are We Safer?*, *The New York Review of Book*, LIII.

26. Commonwealth, *Parliamentary Debates, House of Representatives*, (2005 3 November, 101, Philip Ruddock, Attorney-General, 2 102nd Reading Speech to the Anti-Terrorism Bill, No. 2.

27. Fledman, N, (2002), *Choices of Law, Choices of War*, *Havard Journal of Law and Public Policy*, 2) 25).

28. *National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States*, (2004), *The 11/9 Commission Report*.

29. Tulich, T, (2012), *Prevention and*

# جرایم نامعین علیه اموال

## نقدی بر رأی شماره

۱۱۴۵ / ۱۰۱۴۱۶۶۶۷۹۹۶۰ دادگاه بدوی

### منتقدان

فرشاد چنگایی / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی  
دکتر حامد رهدارپور / عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه لرستان

#### مقدمه

مخاطب دارد. این مهم در بین آرای اصداری قضات بیشتر از هر مرجع دیگری نمود خواهد داشت زیرا اجرای قانون از گذر ذهنی قضات عبور و در آرای آنان جلوه خواهد کرد که در نهایت منشا شکل‌گیری رویه قضایی در زمینه خاص خواهد شد. تأثیر و تأثر رویه قضایی و قانون چنان است که اگر بگوییم رویه قضایی مطلوب نمود اراده واقعی قانونگذار و هم منبعی در جهت رشد و تعالی قانون بوده و رویه قضایی نامطلوب تفسیری ناصواب از اراده قانونگذار و تحریف آن است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. هر چه آرای قضایی منطبق با قانون و اصول حقوقی و بر مبنای آن اصدار یابند مطابقت بین اراده مقنن و رویه عملی بیشتر شده و در نتیجه رویه قضایی موجود به عنوان منبعی در تکمیل قانون قابل استناد خواهد بود. یکی از ابزارهای کنترل و سنجش رویه قضایی نقد آرای اصداری از

اراده قانونگذار در قالب قانون مدون به اطلاع اعضای جامعه رسیده و در پرتو دو ویژگی الزام‌آور بودن و ضمانت اجرا داشتن، اجرای آن تضمین می‌گردد (ر ک راسخ، ۱۳۸۵: ۱۶). قانون زمانی قابلیت انتقال اراده قانونگذار به مخاطب را دارد که در سایه اصل کیفیت قانون تدوین و دارای مهمترین جز یعنی شفافیت (وضع قانون بدون ابهام) باشد (رک: مؤذن زادگان، رهدارپور، ۱۳۹۷: ۱۹۳-۱۹۴). البته با وجود وصف شفافیت در زمان تدوین قانون، گاهی در عمل برای افراد مختلف مفاهیم متعددی از مقررره واحد تداعی می‌گردد؛ این تداعی می‌تواند با اراده واقعی قانونگذار اصابت داشته یا نداشته باشد. با این حال عدم درک یا اشتباه در فهم اراده قانونگذار گاه ریشه در عدم کیفیت قانون و گاه در سوءبرداشت



راجع به اتهام متهمین ۱- الف ش باسواد، متاهل، با کد ملی---- فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری و بازداشت از تاریخ ۴/۷/۹۶ به لحاظ عجز از تودیع وثیقه ۲- الف ص فرزند میر حسین باسواد، مجرد، با کد ملی----، فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری و آزاد با قرار قبولی کفالت ۳- ج ک فرزند رستم، باسواد، متاهل، با کد ملی----، فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری و آزاد به لحاظ عدم دسترسی به ایشان، دایر بر مشارکت در تحصیل مال از طریق نامشروع و شامل یک تن و نهصد و هفتاد و پنج کیلوگرم مرغ، موضوع شکایت آقای ف ح فرزند بهمن باکیفرخواست شماره ۹۶۱۰۴۳۶۶۱۱۰۰۵۲۶۹ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان؟؟؟، هر چند در کیفرخواست مزبور به عنوان مشارکت در کلاهبرداری اشاره گردیده و لیکن با توجه به محتویات پرونده، مذاقه در اظهارات طرفین، عملیات متقلبانه متهمین و با اجازه حاصل از ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۴ با اصلاحات بعدی به شرح فوق اصلاح می‌گردد، دادگاه ضمن تدقیق در محتویات پرونده از جمله: شکایت شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی و در جلسه مورخ ۹۶/۱۱/۲۳ این دادگاه که ایشان با ذکر جزئیات به تشریح موضوع پرداخته‌اند، گزارش مورخ ۹۶/۱۱/۲۸ مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مشعر بر وقوع بزه معنونه و نحوه دستگیری متهم ردیف دوم، صورتجلسه مورخ ۹۶/۱۲/۲۸ مرجع انتظامی که مشعر بر بازبینی لوح فشرده دوربین مداربسته موجود در محل وقوع بزه می‌باشد، اظهارات مطلعین در مرحله تحقیقات مقدماتی که مؤید صحت مدعای شاکی می‌باشند، گزارش مورخ ۹۶/۲/۱۳ مرجع انتظامی مبنی بر همکاری متهم ردیف سوم، در ارتکاب بزه مزبور، صورتجلسه مواجهه حضوری بین شاکی و گواهان ایشان با متهم ردیف اول، اقرار صریح، منجز و مقرون به واقع متهم ردیف اول در جلسه مورخ ۹۶/۱۱/۲۳ این دادگاه که ایشان در حین اقرار عاقل، بالغ، قاصد و مختار بوده‌اند و ایضا با ذکر جزئیات به تشریح موضوع پرداخته‌اند، اظهارات توأم با اقرار ضمنی متهم ردیف دوم اجمالاً به این شرح (قبول دارم همراه ایشان بودم ولیکن اطلاعی از این اقدام ایشان نداشتم... به من گفتند در مدت کوتاهی ماشین پراید شما را به پژو تبدیل می‌کنیم...) و قطع نظر از انکار بلاوجه ایشان که بدون اقتران به هرگونه دلیل یا مدرک قانونی ارائه گردیده و

جنبه‌های مختلف و با معیارهای متعدد است. در این نوشتار، تمرکز بر تعیین حدود و ثغور ماده ۲ قانون تشدید مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ است که در اینجا به جرایم نامعین علیه اموال معنونه گردیده و در قالب نقد رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۶۶۱۴۱۰۱۱۴۵ بدان می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

### شرح موضوع

افرادی به هویت الف ش، الف ص، ج ش به دفتر پخش عمده مرغ متعلق به آقای ف ح مراجعه و قریب به دو تن مرغ از ایشان خریداری می‌کنند. ثمن معامله بر اساس نرخ روز محاسبه و طی فاکتور تحویل خریداران می‌گردد. با وجود اینکه حسب توافق فی مابین، خریداران می‌بایست متعاقب بارگیری، ثمن معامله را تماماً پرداخت نمایند ولی خریداران صرفاً مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از ثمن معامله را پرداخته و با این بهانه که کارت بانکی ملی در داخل خودرو بوده، به سمت خودرو رفته و محل را ترک می‌کنند.

### روند حقوقی پرونده:

آقای ف ح (فروشنده) که متوجه فرار خریداران شده بلافاصله با ۱۱۰ تماس گرفته و گزارش مفصلی از موقوف تهیه و طی شکوائیه خواستار پیگیری قانونی مرتکبین می‌شود. پرونده از طریق معاون دادستان به شعبه اول دادرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ... ارجاع و تحقیقات مقدماتی آغاز می‌گردد. تحقیق محلی، گزارش کلانتری، بازبینی دوربین نصب شده در محل و شهادت شهود همگی بر صحت ادعای شاکی حکایت دارند، لذا دایر شعبه اول متهمین را احضار (که دو نفر از آنان در جلسه دادسرا حاضر و احدی از متهمین متواری شده)، دفاعیات را استماع و بعد از تفهیم اتهام قرار تأمین از نوع کفالت را صادر و مبادرت به صدور قرار جلب به دادرسی به اتهام شرکت در کلاهبردای می‌نماید. قرار مذکور مورد تأیید دادستان قرار گرفته و بعد از طی مراحل اداری و ارجاع به شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری دو شهرستان ... در نهایت به شرح ذیل منجر به صدور رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۶۶۱۴۱۰۱۱۴۵ می‌گردد.

### رأی دادگاه بدوی

۱. رأی مذکور متعاقب وخواهی محکوم علیه غیابی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۶ به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۶۶۱۴۱۰۱۸۷ عیناً تأیید گردیده است.

اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری قلمداد کرده و قرار جلب به دادرسی متهمین را با همین اتهام صادر نموده است که خود مصداق تفسیری موسع از ماده فوق الاشعار است چرا که صرفاً در یک فرض بسیار موسع می‌توان اقدامات مرتکبین را مصداقی از مانور متقلبان به شمار آورد پدین شرح که مرتکبین «بدون قصد خرید و صرفاً به منظور تحصیل مال غیر اقدام به خرید مرغ و اخذ فاکتور نموده» که البته چنین تفسیر موسعی نه تنها فاقد دلیل اثباتی است بلکه در مانحن فیه مغایر اصل و ظاهر نیز هست. توجه به مآقع و امعان نظر به اصل صحت و ظاهر امر (وجود قرارداد و صدور فاکتور) بر قصد واقعی بیع دلالت دارد و تا زمان اقامه دلیل بر فقدان قصد معامله، معتبر خواهد بود.

قاضی شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری دو شهرستان ... با استدلال فوق موافق نبوده و با اختیار حاصله از ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری عنوان اتهامی را از شرکت در کلاهبردای به تحصیل مال از طریق نامشروع تغییر داده است؛ تغییری که مجوز آن صحیح ولی در مانحن فیه بلاوجه است زیرا با یک تفسیر و مبتنی بر ادله مضبوط در رأی، متهمین با انعقاد قرارداد بیع (که اصل و ظاهر بر صحت آن دلالت می‌کند) مالک مبیع شده و حق هر نوع تصرفی را در آن داشته‌اند لذا با این تفسیر متهمین اموال خود و نه اموال شاکی را از محل جایزه جا نموده‌اند و از این نظر، رفتار ارتكابی صرفاً واجد وصف حقوقی است. حتی اگر مبتنی بر امارات دیگر، عدم قصد واقعی مشتکی‌عنه مبنی بر انعقاد بیع محرز شود، تحقق عنوان سرقت صحیح است.

### ۳- از منظر شرایط مقرر در مورد استناد

نحوه نگارش ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، باب تفسیرهای مختلفی را گشوده تا جایی که برخی از حقوقدانان با استناد به عبارات مندرج در ماده مذکور، محدوده جرم انگاری را وسیع و گروه دیگر با تکیه بر اصول حاکم بر حقوق کیفری سعی در محدود کردن حدود و ثغور این ماده داشته‌اند (رک. آقای نیسا، ۱۳۹۰: ۴۷).

جرم انگاری رفتارهای غیرمعین علیه اموال، نتیجه تفسیر موسع از ماده ۲ قانون تشدید است که گستره آن می‌تواند شامل رفتارهای حقوقی صرف نیز باشد. در سایه چنین تفسیری مرتکب جرم ماده مذکور، «هر کس» و رفتار مرتکب «تحصیل مال

با این وصف موثر در مقام نمی‌باشد و همچنین آن که متهم ردیف سوم از بدو تحقیقات مقدماتی متواری بوده و در نهایت از مجموع ادله ابرازی بزهکاری متهمین را محرز و مسلم تشخیص و مستندا به مواد ۲، ۱۸، ۱۹، ۲۷، ۱۲۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۴ و ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ و ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ حکم بر محکومیت هریک از مرتکبین منفرداً به تحمل دو سال حبس تعزیری درجه شش با احتساب ایام بازداشت قبلی و رد اصل مال به شرح مارالذکر به نحو مشارکت و به تساوی در حق شاکی صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره نسبت به ردیف اول و دوم حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان لرستان می‌باشد و نسبت به ردیف سوم غیابی و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی قابل وخواهی در این دادگاه و سپس ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان لرستان می‌باشد.

### -تحلیل و نقد رأی شماره ۱۱۴۵۰۱۱۴۱۰۹۹۷۶۶۱۴۱۰۹۶۰

فارغ از اشکالات شکلی رأی مورد بحث، ذیلاً از نظر ماهوی شرایط تحقق مقرر در مورد استناد قاضی، موضوع تحلیل و نقد قرار می‌گیرد.

#### ۱- از منظر ساحت جرم

براساس ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر تحقق عنصر مادی، در تمام جرایم عمدی علم به موضوع و در جرم مطلق و مقید به ترتیب قصد فعل و نتیجه برای تحقق جرم لازم است اما با تدقیق در رأی اصداری و با نگاهی به آنچه قاضی محترم به عنوان دلیل اثبات اتهام به آن استناد جسته می‌توان تک ساحتی بودن جرم را از نگاه قاضی صادر کننده رأی استنباط نمود؛ زیرا آنچه با دوربین، شهادت شهود، گزارش کلانتری قابل اثبات بوده صرفاً واقعه مادی است که می‌تواند بین جرم و غیرآن مشترک باشد لذا در رأی اصداری به عنصر روانی جرم و ادله اثبات جرم توجهی نشده است.

#### ۲- از منظر عنوان اتهامی

در پرونده حاضر دادیار شعبه اول رفتار مرتکبین را مصداقی از ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین

### منابع

- راسخ، محمد (۱۳۸۵)، ویژگی های ذاتی و عرضی قانون، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱، ص ۱۳-۴۰.
- اسلامی، سید محمدهادی (۱۳۹۷)، اصول و فنون قانونگذاری، چاپ اول، تهران، مجد.
- مؤذن زادگان، حسنعلی، رهدارپور، حامد (۱۳۹۷)، اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران، دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۲۳ شماره ۸۱، ص ۱۹۳-۲۲۰.
- رهدارپور، حامد (۱۳۹۷)، سنجش قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر اساس معیارهای اصل کیفیت قانون، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۰)، با تفسیر رایج از قسمت اخیر ماده ۲ قانون تشدید به کجای می رویم؟، نشریه قضاوت، شماره ۷۱، ص ۴۷-۵۰.
- سایت رسمی شورای نگهبان به ادرس ک <http://nazarat.shora-rc.ir>

از طریق نامشروع» است. چنین ماده ای بی تشابه با ماده ۱۰ قانون مدنی در باب قراردادهای نامعین نیست؛ این شیوه از قانونگذاری در حوزه کیفری با اصول قانونگذاری در تضاد بوده و ناقض اصل مهم کیفیت قانون است (رک رهدارپور، ۱۳۹۷؛ ۵۵ و اسلامی، ۱۳۹۷: ۵۷).

با نگاهی به رأی اصداری و تدقیق در هویت محکومین و ماهیت رفتار ارتكابی مشخص است که مرتکبین فاقد وصف مندرج در صدر ماده ۲ بوده و رفتار آنان به طور کلی نیز مصداقی از عنوان تحصیل مال غیر تفسیر شده است که این امر حاکی از تبعیت قاطع قاضی صادرکننده رأی از تفسیر موسع ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری است. با وجود اینکه در زمان تدوین ماده مرقوم، اصول شکلی و ماهوی قانونگذاری به درستی رعایت نگردیده و این ماده نیز از فیلتر شورای نگهبان گذشته و ایرادی در خور توجه بر آن گرفته نشده! (رک <http://nazarat.shora-rc.ir>) لاقبل از قضاوت محترم انتظار است در عمل با تمسک به اصول حقوقی حاکم بر قوانین کیفری (تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق) و تکیه بر اصل قانونی بودن جرم، مرتکب و رفتارهای جرم را منحصر و محدود به افراد و مصادیق صدر ماده دانسته و عبارت «تحصیل مال از طریق نامشروع» را وصف مصادیق فوق و تاکید بر آن تفسیر کنند و نه قاعده یا مصداقی از رفتار مجرمانه.

### نتیجه

نقش بی بدیل قاضی به عنوان زبان قانون زمانی آشکار می گردد که در مقام تفسیر قانون برآید. تفسیر قانون در مقام رفع ابهام از آن یا تنقیح اراده مقنن، می بایست مبتنی بر اصول کلی حقوقی باشد. بی شک وضع ماده ۲ قانون تشدید فاقد حداقل های اصول قانونگذاری خصوصاً اصل نوظهور کیفیت قانون است و از این جهت نقش مهم قاضی در این خصوص اهمیت می یابد. تفسیر موسع این ماده بدون توجه به امارات و قرائن روشن مذکور در صدر ماده ساده ترین، و نه بهترین اقدام قضایی در مواجهه با این ماده ی موهم است. تنها در پرتو تفسیر مضیق قانون کیفری است که قاضی می تواند علاوه بر اعلام وفاداری خود به متن قانون و اصول حقوقی، با جلوگیری از محو مرز حقوق کیفری با حقوق مدنی، تسلط خود را بر حوزه حقوقی مورد عمل نشان دهد.

# دیوان کیفری بین‌المللی و پیشگیری از جنایات بین‌المللی؛ دیدگاه‌های جرم‌شناختی<sup>۱</sup>

◀◀◀◀ نویسنده: تام بوتلار

مترجم: امین زحمتکش / دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

کمک می‌کند. این پژوهش در ادامه، از آموزه‌ها و دیدگاه‌های مورد اشاره به منظور بررسی تجربیات دیوان کیفری بین‌المللی در بازداشتن مجرمین از ارتکاب جرم در طول ۱۴ سال فعالیت خود از زمان تأسیس، استفاده می‌نماید. یافته‌ی اصلی تحقیق این است که اگر چه دیوان می‌تواند به طور مؤثر و سازنده‌ای به تحقق مسئولیت کیفری بین‌المللی و همچنین به تغییر قواعد بین‌المللی در حوزه‌ی مشروعیت کمک کند، اما امیدها و انتظارات از دیوان برای پیشگیری مستقیم و عمده از جنایات بین‌المللی، اندک است. لذا اتکاء صرف به دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک ابزار برای مدیریت بحران‌های جهانی، هم غیر منطقی است

پیشگیری از جنایات بین‌المللی از طریق مجازات کسانی که بیشترین مسئولیت کیفری را در قبال این جنایات دارند، یکی از اصول بنیادین دیوان کیفری بین‌المللی است. مقاله‌ی پیش‌رو، توانایی و قابلیت دیوان کیفری بین‌المللی در پیشگیری از جنایات بین‌المللی را توأمان مورد انتقاد و تحسین قرار داده است؛ ضمن آنکه از آموزه‌ها و دیدگاه‌های جرم‌شناسی و روانشناسی برای افزایش شناخت ظرفیت‌های بازدارنده و پیشگیرانه‌ی دیوان استفاده می‌نماید؛ که این موضوع به ارزیابی دقیق‌تر چگونگی عملکرد فرآیندهای پیشگیری

و هم غیر منصفانه.

## واژگان کلیدی

بازدارندگی، دیوان کیفری بین‌المللی، جرم‌شناسی، جنایات بین‌المللی، مدیریت بحران

### ۱- مقدمه

در مقدمه‌ی اساسنامه‌ی رم مصوب سال ۱۹۹۸ که منجر به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی در ۱ ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی شد، امضا کنندگان اساسنامه اعلام نمودند که آن‌ها «مصمم به پایان دادن به مصونیت و بی‌کیفری مرتکبین شدیدترین جنایات می‌باشند فلذا مصمم به پیشگیری از وقوع چنین جنایاتی‌اند». این جمله نشان می‌دهد حامیان عدالت کیفری بین‌المللی امید دارند که این دیوان دائمی و بین‌المللی بتواند در برابر جنایات بین‌المللی آینده بازدارنده باشد؛ امیدی که بر تمام گفت‌وگوها و توجیهات هنگام تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی سایه افکند. بسیاری از کسانی که با دیوان کار می‌کنند، می‌پندارند با تنبیه مجرمین می‌توان از جرم جلوگیری کرد، اندیشه‌ای که بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری و سازمان‌های مردم‌نهاد در بسط و گسترش آن سهیم بودند. برای مثال در فوریه ۲۰۱۵ نهاد ائتلاف برای دیوان کیفری بین‌المللی از دولتمردان اوکراینی خواست تا اساسنامه رم را برای بازسازی از جرائم بین‌المللی به تصویب برسانند (نهاد ائتلاف برای دیوان کیفری بین‌المللی)<sup>۱</sup>. در سال ۲۰۱۴ برای پایان بخشیدن به حمایت‌ها از جنایات بین‌المللی؛ بریتانیا و فرانسه با حمایت دولت ایالات متحده و سازمان‌های مردم‌نهاد بزرگ در یک تلاش مشترک بر قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل اصرار داشتند که جنگ شهری در سوریه را به دیوان ارجاع می‌داد. از نظر خود دیوان توانایی‌های بازدارنده‌اش، عنصر اساسی مشروعیت بخشی به آن است. در واقع این مؤلفه‌های بازدارنده، عامل مهمی بودند که منجر به شکل‌گیری دیوان شدند و این مؤلفه‌ی بازدارندگی، استدلال فایده‌گرایانه‌ی اصلی در حمایت از دیوان است که به این دیوان، مبانی منطقی متمایزی می‌بخشد. بدیهی است که بعضی از این امیدواری‌ها محقق

نشده‌اند. چهارده سال بعد از اولین اقدامات دیوان، هنوز در سطح جهان، دیکتاتورها و گروه‌های شورشی زیادی هستند که به کرات مرتکب جنایات بین‌المللی می‌شوند. بعضی موارد بعد از سال ۲۰۱۵ بسیار روشن‌نگرند. به عنوان نمونه، جمهوری آفریقای مرکزی، مجدداً شاهد نقض فاحش حقوق بشر بوده است. همچنین بوکو حرام در نیجریه دست به قتل عام زده است؛ جایی که نیروهای دولتی، خود متهم به ارتکاب این جنایات بین‌المللی می‌باشند. بیان این مثال‌ها ضرورتاً به معنای این نیست که دیوان هیچ‌گونه اثر بازدارنده‌ای نداشته است. سنجش میزان بازدارندگی، به دلیل ماهیتی که دارد بسیار مشکل است؛ چرا که می‌بایست وقایعی را مشاهده و ارزیابی نمود که اساساً رخ نداده‌اند. علاوه بر این، دیوان هرگز قصد بازداشتن هر مجرم بالقوه از ارتکاب جنایات بین‌المللی را نداشته است. با این حال ما می‌توانیم شکست در هدف بازدارندگی را مشاهده کنیم؛ آنجا که مرتکبین جنایات بین‌المللی، تهدید مجازات‌های قانونی را آنقدر قطعی و حتمی نیافته‌اند که آن‌ها را از مشارکت در چنین جرائمی باز بدارد. تداوم وقوع جنایات بین‌المللی این سوال را بر می‌انگیزاند که چرا تهدید و ارعاب برآمده از تعقیب کیفری دیوان، نمی‌تواند از وقوع جنایات در آینده جلوگیری کند؛ مخصوصاً در جمهوری آفریقای مرکزی که وقتی برای بار دوم جنایات بین‌المللی در آن رخ داد، دیوان از قبل در آنجا فعال بود.

### ۲- تهدیدات ناشی از ضمانت اجرای قانونی

اولین فرض از تئوری بازدارندگی این است که فرآیند تصمیم‌گیری برای ارتکاب یک جرم، محصول نوعی محاسبه‌ی سود و زیان است. پژوهشگران زیادی تردید دارند که مرتکبین جنایات داخل در صلاحیت دیوان، به معنای واقع چنین محاسبه‌ای داشته باشند. برای مثال آقای درامبل<sup>۲</sup> این سؤال را مطرح می‌کند که آیا «افراد متعصب نسل‌کش که به ماشین‌های روغن‌کاری شده برای قتل عام انسان‌ها تبدیل شده‌اند، قبل از ارتکاب جرم، محاسبه‌ی سود و زیان می‌کنند؟». شدت بی‌رحمی و خوفناک بودن برخی جنایات، ممکن است در حقیقت منجر به این استدلال گردد و دانشمندان را به طرح ادعای شیطان یا دیوانه بودن مرتکبین

2. Coalition for the International Criminal Court

3. Drumbl

این برنامه‌ریزی و سازماندهی‌ها که در اکثریت جنایات نسل‌کشی دیده می‌شود، نشان‌دهنده این واقعیت است که رفتار این مرتکبین حداقل منطبق بر مدل‌های عقلانیت ابزاری یا محدود می‌باشد. مع ذلک، یک تحلیل بسیار سطحی که بر این عقیده است این دسته از مجرمین بر اساس محاسبات عقلانی سود و زیان، اتخاذ تصمیم می‌کنند، برای تبیین و توجیه رفتار آنان کافی نیست. این مجرمین به ندرت به همان شیوه‌ای که ما انتظار داریم، واکنش نشان می‌دهند و حداقل به طور نسبی، تفاوت‌های موجود در شخصیت آن‌ها تعیین‌کننده ارزش و بهایی است که آنان به محرک‌ها و مشوق‌ها و بازدارنده‌ها می‌دهند.

برای منصرف نمودن یک مجرم بالقوه، بازدارندگی تهدیدات ناشی از ضمانت اجراهای قانونی می‌باید با عوامل تحریک‌کننده و تشویق‌کننده به ارتکاب جرم مبارزه کند. جنایات بین‌المللی خود مبین این واقعیت هستند که از منظر مجرمین، چه منافع مهم هستند. مشکل این است که منافع مورد انتظار مجرم، اغلب تأثیر بیشتری در هدایت و مدیریت رفتار دارند؛ چرا که این منافع نسبت به تهدیدات و خطرات دور دستگیری و یا تعقیب کیفری، راحت‌تر به دست می‌آیند. دسته‌بندی عوامل مشوق و تحریک‌کننده به سمت ارتکاب جرم بدین شرح می‌باشند:

۱- رهبران گروه‌هایی که مرتکب جنایت می‌شوند، معمولاً اجازه و یا دستور ارتکاب جنایات را برای به دست آوردن قدرت و یا حفظ کردن آن می‌دهند. رهبران بی‌پروا، به منظور ایجاد همبستگی و اتحاد در گروه تحت سلطه‌ی خود، اقدام به ایجاد یک دشمن مشترک نموده و خشونت و جرم را متوجه آن دشمن می‌کنند. این بدین معناست که زمانی که رهبران و فرماندهان، تهدید به تعقیب کیفری بین‌المللی می‌شوند، راه‌حل آنان این است که یا تسلیم و مجازات شوند و یا به اعمال خشونت‌آمیز و مجرمانه‌ی خود به منظور حفظ خود در قدرت ادامه دهند. تعجب برانگیز نیست که اکثریت رهبران، راه حل دوم را انتخاب می‌کنند. همچنین آقای کرونین فورمان<sup>۷</sup>؛ فردی که انگیزه‌های مجرمین بالقوه را مورد مطالعه قرار داد، تأکید می‌نماید که

این جنایات شنیع، ترغیب نماید. و در واقع امر، آقای والتینو<sup>۴</sup> در بررسی آثار و تألیفات علوم سیاسی در موضوع خشونت سیاسی، استدلال می‌نماید که «زمانی این یک اعتقاد کاملاً تأیید شده بود که اعمال خشونت گسترده علیه جمعیت‌های غیر نظامی، غیر عقلانی، اتفاقی و غیر هدفمند و یا نتیجه‌ی نفرت تاریخی موجود میان گروه‌های نژادی و قومیتی بود». با این حال، او اکنون بر این عقیده است که همه متفق‌القول هستند که اعمال خشونت علیه غیر نظامیان، نتیجه‌ی نفرت تاریخی یا یک موضوع کاملاً غیر عقلانی نیست، بلکه نتیجه‌ی «یک استراتژی عمدانه و از پیش تعیین شده‌ی گروه‌های جنگجو و متخاصم است». علاوه بر این، آقای والر<sup>۵</sup> یعنی کسی که موضوع مشارکت گسترده در ارتکاب جنایات بین‌المللی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده، به این نتیجه رسیده است که به لحاظ آماری و تشخیصی، این امر غیر ممکن است که همه‌ی این مرتکبین دچار نوعی نقص و آسیب روانی برای توجیه اعمال و رفتارهایشان باشند.

این مطلب می‌بایست بیان شود که شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مباحثین اصلی و فیزیکی جنایات بین‌المللی<sup>۶</sup>، تا حدی متفاوت از مجرمینی هستند که صرفاً برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی این جرائم را بر عهده دارند. با اشاره به مباحثین مستقیم و فیزیکی جرائم بین‌المللی، محققین چندین مؤلفه یافته‌اند که ملاحظات عقلانی را در خشونت‌های گروهی و جمعی تضعیف می‌کند؛ از جمله مستی، تبعیت و فرمانبرداری از مقام مافوق، مؤلفه‌های جسمانی و بدنی و تعداد زیادی از عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی که به علت کثرت، امکان ذکر تمامی آن‌ها در اینجا وجود ندارد. با این وجود، دیوان کیفری بین‌المللی به ندرت این دسته از مرتکبین جرم را مورد تعقیب قرار داده است. همانند سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی گذشته، دیوان کیفری بین‌المللی صرفاً ملزم به تعقیب کیفری عاملین اصلی وقوع جنایات بین‌المللی است؛ که در حقوق جزای بین‌الملل این عاملین اصلی معمولاً افرادی هستند که دستور داده‌اند، برنامه‌ریزی کرده‌اند و یا برای این جنایات برنامه‌ریزی نموده‌اند. گسترده‌ی و وسعت

4. Valentino

5. Waller

6. On-the-ground perpetrators of atrocities

7. Cronin-Furman

نکات محدود در رابطه با اثر تجربی باشد. تجربیات مجرمین بالقوه در رابطه با نظام عدالت کیفری بین‌المللی، به همراه اطلاعاتی که آنان از تجربیات همفکران و هم‌مسلمان خود دریافت می‌کنند، هر دو به طور کلی، احتمال و شانس تحت تعقیب قرار گرفتن و دستگیر شدن را به حداقل خود می‌رسانند. اگر چه دیوان کیفری بین‌المللی در مبارزه با فرهنگ بی‌کیفری<sup>۸</sup> پیشرفت‌هایی داشته است، اما دنیا همچنان مملوست از رهبرانی که مرتکب جنایت می‌شوند و از تعقیب و مجازات فرار می‌کنند. تحولات و پیشرفت‌های اخیر، این آثار و نتایج را تشدید نموده‌اند. در دسامبر سال ۲۰۱۴، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به طور علنی از پرونده‌ی رئیس‌جمهور کشور کنیا یعنی آقای اوهورو کنیاتا<sup>۹</sup> دست کشید به این دلیل که دولت کشور کنیا به طور مؤثری با تلاش‌های دادستان دیوان برای کسب دلائل کافی جهت تشکیل پرونده علیه رئیس‌جمهور آن کشور مبارزه کرد. او همچنین، اقدامات تعقیبی علیه البشیر<sup>۱۰</sup> را به دلیل فقدان حمایت بین‌المللی، معلق نمود. مجرمین بالقوه ممکن است احساس کنند وقتی که به مدتی طولانی برای دیوان مانع ایجاد کنند، می‌توانند در مقابل تعقیب خود، مهلت بدست آورند. البشیر و کنیاتا<sup>۱۱</sup> بی‌تردید در مقابل دیوان، احساس پیروزی کردند.

تأثیرگذاری بیشتر بر قطعیت مشاهده شده در باب تهدیدات ضمانت‌اجرای قانونی دیوان، آن است که بسیاری از مجرمین بالقوه نسبت به ریسک زیاد، حساس هستند؛ به این معنی که آنها خطر تعقیب را شناسایی کرده و برای کاهش آن، دست به اقداماتی می‌زنند. در برخی موارد، این بدین معناست که آنها ریسک را بسیار زیاد می‌دانند و تصمیم می‌گیرند اقدام به ارتکاب برخی از جرائم خاص نکنند. هنوز وقتی آنها در مسیری جنایی قدم بر می‌دارند، هم چنانکه سردمداران مذکور اغلب این چنین‌اند، می‌کوشند ریسک شناسایی و بازداشت خود را به حداقل برسانند. نمونه‌هایی بسیار از مرتکبینی وجود دارد که تاکتیک اتخاذ می‌کنند، فرآیند جمع‌آوری مدارک را دشوار می‌کنند، از مناطق پرخطر اجتناب می‌کنند و از افراد واسطه استفاده می‌کنند. جوزف کنی<sup>۱۲</sup> وقتی تحت نظر دیوان قرار گرفت از جرایم

درک و شناخت افراد نسبت به ضرورت وجود جرم، اثر بازدارندگی دیوان کیفری بین‌المللی را تعدیل می‌کند و منتج به نتایج مختلفی متناسب با هر فردی می‌شود.

۲- نفرت و تعصب می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. اغلب کسانی که مرتکب جنایات شنیع می‌شوند، دارای یک ایدئولوژی (یا حداقل یک عقیده) هستند که مبتنی بر نوعی حس برتری طلبی و برتری جویی است. در چنین ایدئولوژی‌هایی، اعضای خارج از آن گروه خاص از جمله گروه‌های نژادی، قبیله‌ای، قومیتی، ایدئولوژیک، سیاسی یا گروه‌های مذهبی دیگر، انسان تلقی نمی‌شوند فلذا قتل یا سوء رفتار با آنان، توجیه و مورد تشویق قرار می‌گیرد. تحقق آرمان‌ها و اهداف این نوع ایدئولوژی‌ها می‌تواند یک محرک و مشوق حائز اهمیت برای سوق و میل به سوی ارتکاب جنایت باشد.

۳- انگیزه‌ها و محرک‌ها برای ارتکاب جنایت می‌تواند حتی ماهیتی عادی و پیش پا افتاده‌تر داشته باشد. برخی از افراد برای کسب سود مادی و یا برای احساس رضایت شخصی و یا گاهی اوقات حتی تحت عنوان دفاع از خود، دستور به ارتکاب یک جنایت می‌دهند و یا خود در ارتکاب آن، مشارکت می‌جویند. توجه به این نکته مهم است که از محرک‌ها و انگیزه‌های قدرتمندی که مجرمین بالقوه می‌توانند هنگام بررسی و ارزیابی اثر بازدارندگی بالقوه دیوان کیفری بین‌المللی دارا باشند، غافل نشویم.

با این وجود، این نکته مهم است که افزایش احتمال واقعی و عینی دستگیر شدن به سبب ارتکاب جنایات داخل در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، لزوماً برای افزایش احتمال بازدارندگی کافی نیست؛ بلکه درک قطعیت و حتمیت در اجرای مجازات نیز باید همزمان افزایش یابد. اگر هر تعقیب کیفری، بدون شکست، منجر به دستگیری متهم شود، درک قطعیت و حتمیت اعمال کیفر به طور مثبتی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ اما تحقق این شرایط بیشتر غیر واقعی به نظر می‌رسد. درک قطعیت و حتمیت حاصل از خطر اجرای ضمانت اجراهای قانونی دیوان کیفری بین‌المللی، احتمال دارد که

8. Culture of Impunity

9. Uhuru Kenyatta

10. Al-Bashir

11. Kenyatta

12. Joseph Kony

غیر منصفانه است. ارباب و تهدید ناشی از ضمانت اجراهای قانونی (مجازات) نه برای نیل به هدف بازدارندگی کافی است و نه دیوان از یک اجبار و الزام قدرتمند و کافی و از یک قدرت ساختاری و سازمانی برای اصلاح مشکلاتی که با آنان مواجه است برخوردار است. همانگونه

که بیان شد، امید به اینکه دیوان کیفری بین‌المللی بتواند از وقوع جنایات بین‌المللی جلوگیری کند، معمولاً توأم

با مشکلاتی است؛ به این دلیل که این انتظارات و امیدها می‌توانند از یک مشارکت بین‌المللی گسترده‌تر و مؤثرتر برای پیشگیری جلوگیری کنند. علاوه بر این، برخی از دولت‌ها موقعیت‌های (داخل در صلاحیت دیوان) را به امید یک اثر و نتیجه‌ی سریع و قابل ارزیابی و اندازه‌گیری، به دیوان ارجاع می‌دهند. چنین دولت‌هایی، امید غیر واقعی و واهی در این زمینه به دیوان بسته‌اند. این نکته حائز اهمیت است که طرفداران و حامیان دیوان کیفری بین‌المللی در کنار جامعه‌ی بین‌المللی به طور کلی، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های دیوان را درک می‌کنند و به دنبال اغراق و بزرگ‌نمایی در ظرفیت بازدارندگی دیوان و یا استفاده از دیوان به عنوان یک ابزار مدیریت نزاع و مخاصمات، نمی‌باشند. در عوض، رهبران بین‌المللی می‌بایست به دنبال مکانیسم‌های کارآمدتری برای پیشگیری از وقوع جنایات بین‌المللی باشند. در عین حال، این موضوع برای دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه‌ی بین‌المللی به طور کلی، بخردانه‌تر است که سطح انتظارات خود را نسبت به دیوان، مدیریت و کنترل نمایند.

خود دست نکشید؛ بلکه تلاش خود برای پنهان شدن و اجتناب از دستگیری را دوچندان کرد. باوجود تلاش‌های مستمر نیروهای اوگاندایی، کنگویی، سازمان ملل و بقیه، کنی خود را از دستان دیوان دور نگه داشته است. بعلاوه، البشیر نیز از نیروهای جانجاوید<sup>۱۳</sup> بعنوان واسطه‌هایی برای هدف گرفتن شهروندان در دارفور بهره گرفت و فقط به کشورهایی مسافرت می‌کرد که او را مسترد نمی‌کردند در

حالی‌که دولت کنیا در مسیر تلاش‌های دیوان برای جمع‌آوری اسناد، سنگ‌اندازی می‌کرد. گرچه حساسیت این مرتکبین به ریسک، آنها را در دسته «امکان بازدارندگی» جای می‌دهد. (اما) بازداشتن این افراد در واقع بسیار دشوار است؛ زیرا این‌ها به توانایی خود در دست‌به‌سر کردن نهادهای حقوقی، ایمن دارند. در مقام نتیجه‌گیری، به نظر می‌رسد اثر بازدارندگی ضمانت‌اجراهای دیوان، چه در مقام نظر و چه در مقام عمل، محدود است.

### ۳- نتیجه

هدف من از این پژوهش، یک مطالعه‌ی جامع‌تر نسبت به اثر بازدارندگی بالقوه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی از یک منظر جرم‌شناختی با تمرکز بر فرآیند تصمیم‌گیری مجرمین بود. همانطور که در مباحث مقاله مشاهده شد، قابلیت و ظرفیت دیوان کیفری بین‌المللی برای پیشگیری از ارتکاب جنایات بین‌المللی در آینده محدود است. از منظر جرم‌شناختی، دیوان در مسیر تضمین قطعیت و حتمیت ضمانت‌اجراهای قانونی خود با مانع و مشکل مواجه است و نیازمند این است که با خطرات و تهدیدات ناشی از ضمانت‌اجراهای فراقانونی که بعضاً تشویق‌کننده و محرک رفتار مجرمانه می‌شوند، مقابله کند. با این وجود، دیوان به طور همزمان می‌تواند با تمرکز بر یک فرآیند بلند مدت و قابل تغییر که امکان منتهی شدن به نهادینه‌سازی هنجارها و ایجاد جوامع خود تنظیم‌کننده را دارد، به پیشگیری از جنایات بین‌المللی کمک نماید.

با این حال، ارزیابی میزان کارآمدی دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه‌ی بازدارندگی و پیشگیری، صرفاً از طریق مطالعه‌ی اثرگذاری آن بر منازعات و مخاصمات حال حاضر، اقدامی هم غیر عقلایی و هم



# جرم‌انگاری توهین به اقوام ایرانی و ادیان الهی

نویسنده: عبدالحسین سلطانی رنانی  
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

توهین «در حال انجام وظیفه یا به سبب آن» باشد را به‌عنوان گونه دوم توهین و البته با ضمانت‌اجرای شدیدتری نسبت به توهین ساده موضوع ماد ۶۰۸ مزبور، جرم‌انگاری نموده است.

نوع بعدی توهین در قانون مجازات اسلامی توهین با «الفاظ یا حرکاتی مخالف شأن و شخصیت بانوان و اطفال در اماکن عمومی یا معابر است. گونه چهارم توهین در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات را در قالب «توهین علنی نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است» ذیل ماده ۵۱۷ می‌توان ملاحظه نمود. نوع پنجم جرم‌انگاری توهین که در جهت حفظ ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی شهروندان بوده تحت عنوان «توهین به مقدسات اسلامی و نیز انبیاء عظام و ائمه اطهار و حضرت زهرا (علیهم‌السلام) ذیل ماده ۵۱۳ و به شرط عدم شمول حکم ساب‌النبی در خصوص مرتکب مورد تصریح واقع شده است و در نهایت گونه ششم بزه‌انگاری توهین تحت عنوان «توهین

قانون‌گذار جمهوری اسلامی در مقررات پراکنده و حسب مقتضیات متفاوت نسبت به جرم‌انگاری توهین اقدام نموده است که می‌توان بر این اساس بزه توهین را حسب مقررات موجود به چندگونه تقسیم نمود. گونه نخست و سنتی این جرم‌انگاری را می‌توان در مواد ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ یافت. در این ماده توهین به افراد «از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک» به شرط آنکه مشمول حد قذف نباشد جرم‌انگاری شده است. قانون‌گذار سپس در جهت حفظ حرمت و جایگاه برخی از مسئولین دولتی و حکومتی و نیز در راستای تسهیل فعالیت کارکنان قوا و حفظ کرامت ایشان توسط شهروندان و ارباب رجوع، توهین به برخی مسئولین قوای سه‌گانه و افراد عالی‌رتبه این قوا و نیز کارکنان شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها، به شرطی که این

قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود».

چنانچه پیش‌تر نیز توضیح داده شد این مقرر گامی رو به جلو در جهت حفظ کرامت بخش گسترده‌ای از شهروندان کشور است که تحت عنوان قومیت‌های خاص گهگاهی مورد تمسخر دیگر اقوام و گروه‌ها قرار می‌گیرند و نیز صراحتاً دربردارنده توهین به ادیان الهی و مذاهب اسلامی که طبیعتاً منظور از آن توهین به مقدسات و شخصیت‌های برجسته این ادیان و مذاهب است؛ ولیکن نکات و چالش‌هایی به شرح زیر دارد که باعث تمایز آن با سایر گونه‌های توهین می‌گردد.

### ب) نکات ماده

۱- صدر ماده مورد اشاره با عبارت «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن» حکایت از آن دارد که تحقق بزه توهین به اقوام، ادیان و مذاهب، منوط به وجود سوءنیت خاص «قصد ایجاد خشونت یا تنش و یا علم به وقوع آن» علاوه بر سوءنیت عام یا همان عمد در توهین ارتكابی است؛ بنابراین اشخاصی که به هر دلیل (عصبانیت، مزاح و ...) فاقد این سوءنیت هستند و مرتکب توهین موضوع این ماده می‌شوند در صورتی که علم به تحقق خشونت و تنش در جامعه در اثر توهین خود نداشته باشند، مشمول حکم مصرح در ماده مزبور نخواهند شد.

۲- شمول ماده مزبور در صورتی است که توهین ارتكابی مشمول عنوان حدودی مانند قذف و یا ساب‌النبی نباشد که در این صورت از دایره کلی تعزیرات و نیز حکم این ماده خارج خواهد بود. ۳- عبارت «... و منجر به خشونت یا تنش شده باشد» در ادامه ماده مزبور نشانگر آن نیست که جرم توهین به اقوام و ادیان بر خلاف عمده شقوق دیگر توهین، جرمی مقید به نتیجه بوده و در مواردی که کلام، حرکت و به طور کلی رفتار مرتکب فاقد نتیجه خشونت و تنش در جامعه باشد، از شمول این مقرر خارج خواهد بود؛ بلکه با توجه به ادامه ماده این حقیقت روشن می‌گردد که قانون‌گذار برای بزه ارتكابی این ماده در هر دو حالت رخ دادن نتیجه خشونت و تنش و عدم تحقق این نتایج تعیین ضمانت اجرا نموده است.

به بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام رهبری» در ماده ۵۱۴ ذکر شده است.

شایان ذکر است علاوه بر موارد اشاره شده، مواد ۳، ۶، ۲۳ و ۳۰ از قانون مطبوعات نیز به ضرورت پرهیز از توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی در مطبوعات و تعیین ضمانت اجرا در این مواد توجه داشته که صرفاً به جهت شکل ارتكاب آن که از طریق مطبوعات است در این قانون خاص ذکر شده ولیکن به نظر می‌رسد مصداقی به مصداق توهین یاد شده اضافه نموده است.

### الف) ضرورت جرم‌انگاری توهین‌های مذهبی و قومیتی

پر واضح است این اندازه از جرم‌انگاری در مواد مورد اشاره شده در سطور پیشین اولاً به جهت ضرورت حفظ کرامت انسانی آحاد افراد جامعه و جلوگیری از هتک حیثیت ایشان به ویژه در خصوص افراد و اقشار آسیب‌پذیرتر مانند بانوان و کودکان، ثانیاً در جهت رعایت احترام به باورها و ارزش‌های دینی مورد قبول اکثریت جامعه، ثالثاً پرهیز از خشونت‌های کلامی و توهین نسبت به کارکنان دولتی و برخی مسئولین کشور که ممکن است برخی از تصمیمات ایشان مورد پذیرش بخشی از جامعه نباشد، رابعاً در جهت پاسداشت شأن و جایگاه ملی در عرصه‌های بین‌المللی و تحکیم روابط مبتنی بر صلح و احترام با سایر کشورها و پرهیز از تنش در روابط خارجی کشور و بالأخره در راستای تکریم مقام رهبری سابق و فعلی کشور به‌عنوان یکی از حقوق و نیز تکالیف بدیهی شهروندان، اگرچه لازم و ضروری است؛ ولیکن کافی به نظر نمی‌رسد و موارد متعددی در این خصوص که ضرورت جرم‌انگاری توهین در آن‌ها حس می‌شد مورد غفلت واقع شده است.

در همین راستا و شاید در جهت رفع برخی از این کاستی‌ها بوده که اخیراً قانون‌گذار در اقدامی بجا و پسندیده و البته با اندکی نقص، گامی بزرگ در راستای جرم‌انگاری توهین به اقوام ایرانی و نیز ادیان و مذاهب برداشته است. با این توضیح که «قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» مصوب بهمن ۱۳۹۹ در ماده ۱ این‌گونه مقرر داشته است که یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۴۹۹ مکرر) به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ الحاق می‌شود:

«ماده ۴۹۹ مکرر: هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به

## ج) چالش‌های ماده

و ضرورت حفظ حرمت و احترام به باورها و عقاید سایر اقوام و مذاهب گوناگون به‌طور متقابل که می‌تواند منجر به رعایت حرمت و شأن دین اسلام و مذهب اثنی‌عشری<sup>۱</sup> گردد، به‌گونه‌ای قابل انتقاد است. چه بسا یک رفتار توهین‌آمیز به اقوامی غیر ایرانی و افراد دارای ادیان و مذاهب دیگری منجر به شکل‌گیری خشونت‌ها و تنش‌های بین‌المللی با پیامدهای بسیار بیشتری نسبت به تنش و خشونت داخلی گردد.

## د) نتیجه‌گیری

توهین به هرگونه و هر شکل از قبیل لفظ، کلام و یا هر رفتار دیگر اعم از اینکه منجر به آزدگی خاطر فرد یا افرادی از گروه‌های جنسیتی، قومی، مذهبی، سنی، شغلی و ... بشود یا نشود فی‌نفسه و به ذات خود به دلیل خدشه‌دار نمودن کرامت انسانی و آزادی‌های فردی و اجتماعی قبیح و بد شمرده شده و در برخی موارد مستلزم کیفردهی می‌باشد. اقدام قانون‌گذار جمهوری اسلامی در بزه‌انگاری توهین به اقوام و ادیان و مذاهب اگر چه با چالش‌ها و محدودیت‌هایی که برخی از آن‌ها ذکر شد همراه است؛ ولیکن اولاً به‌عنوان گامی بلند در جهت حفظ کرامت انسانی آحاد افراد جامعه از هر قوم و مذهب یک اقدام پسندیده بوده و ثانیاً می‌تواند به‌گونه‌ای از بروز خشونت‌های افراطی مبتنی بر باورهای صحیح یا نادرست دینی و مذهبی و نیز تنش‌های مربوط به جریحه‌دار شدن احساسات قومی و ملی پیشگیری نماید.

۱- نخستین چالش موجود در این ماده در واقع محدود نمودن دامنه شمول ماده مزبور به ادیان و مذاهب مصرح در قانون اساسی است. وفق اصل دوازدهم قانون اساسی، دین رسمی ایران، اسلام و مذهب رسمی جعفری دوازده امامی است و این دو الی‌الابد غیرقابل تغییر هستند و مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی نیز به‌عنوان سایر مذاهب اسلامی و بر اساس اصل سیزدهم نیز دین ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان ادیان الهی مورد پذیرش قرار گرفته است. اگرچه عمده اقلیت‌های دینی و مذهبی موجود در کشور منحصر به موارد مصرح در اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی می‌باشند و طبق اصول پایه حقوقی و اصل هفتاد و دوم قوانین عادی می‌بایست منطبق با قانون اساسی باشند و به همین دلیل در ماده ۴۰۰ مکرر به ادیان و مذاهب مورد پذیرش اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی اشاره شده است؛ ولیکن عدم رعایت احترام به باورها و ارزش‌های سایر مذاهب و ادیان می‌تواند منجر به ایجاد خشونت و جامعه و تضييع حقوقی فردی و اجتماعی ایشان گردد.

۲- چالش دوم ماده مربوط به ایجاد تنش و خشونت در جامعه است؛ به‌کاربردن الفاظ تنش و خشونت به‌عنوان حد اعلای خشم و بروز تألم و جریحه‌دار شدن احساسات در یک ماده و بزه‌انگاری رفتاری که منجر به آن می‌شود اولاً نشان از نادیده‌گیری مراحل پیشینی تألم خاطر و ناراحتی یک گروه قومی یا مذهبی از جامعه است و ثانیاً نشان دهنده عدم رعایت استدراج در قانون‌گذاری است؛ به این نحو که قانون‌گذار بدون رعایت ترتیب‌مراحلی مانند جریحه‌دار شدن احساسات و عواطف قومی و مذهبی به یک‌باره صرفاً برای ایجاد تنش و خشونت یا قصد تحقق آن تعیین ضمانت اجرا نموده است. چه بسا با تعیین ضمانت اجرای استدراجی در این مورد می‌توان از ایجاد تنش و خشونت که گاهی نتایج زیان‌بار غیرقابل جبرانی نیز دربردارد پیشگیری نمود.

۳- چالش سوم ماده، مربوط به محدودیت تسری حکم ماده صرفاً در خصوص توهین به اقوام و مذاهب موجود در ایران است. حال آنکه این محدودیت امروزه با توجه به گسترش روابط بین‌کشورها و ضرورت حفظ مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها در دهکده جهانی و از بین رفتن مرزبندی‌های سنتی حداقل در ابعاد دینی، فرهنگی و اجتماعی از یک‌سو



## تازه‌های آراء وحدت رویه

### ۱. رای وحدت رویه شماره ۸۰۵ - ۱۳۹۹/۱۰/۱۶:

تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عبارت قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و با عنایت به ماده ۶ قانون اخیرالذکر، مبلغ وجه التزام تعیین شده در قرارداد، حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است. بنا به مراتب، رأی شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

### ۲. رای وحدت رویه شماره ۸۰۶ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴:

در موارد مشمول ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰، گرچه پرداخت خسارت به زیان‌دیده و بازیافت آن از مسبب حادثه، پیش‌بینی شده است، اما با توجه به اینکه هرگاه زیان‌دیده، مسبب حادثه و ورود صدمه به خود باشد، پرداخت خسارت به وی و اقدام به بازپس‌گیری آن، کاری بیهوده و غیرعقلایی است، بنابراین هدف از وضع این ماده حمایت از اشخاص ثالث زیان‌دیده است نه مسبب حادثه و اصولاً در این قانون، برای رانندگان مسبب حادثه واجد شرایط مذکور در بندهای چهارگانه ماده ۱۵ یاد شده، مزایایی لحاظ نشده است و به همین علت، این موارد از شمول ماده ۱۱ همین قانون نیز خارج موضوعی دارد. افزون بر این، شرط دارا بودن گواهینامه رانندگی برای پرداخت خسارت به راننده مسبب حادثه در بند پ ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرائی ماده ۳ قانون یادشده پیش‌بینی شده و این آیین‌نامه به موجب تکلیف مقرر در همین ماده به تصویب شورای عالی بیمه به عنوان مرجع تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه‌گر مطابق تبصره ۲ ماده ۲۱ این قانون نیز رسیده است. بنا به مراتب، بیمه‌گر مسؤولیتی برای پرداخت خسارت بدنی به راننده مسبب حادثه فاقد گواهینامه رانندگی از محل بیمه‌نامه موضوع ماده ۳ قانون مذکور ندارد و رأی شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان قم که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

### ۳. رای وحدت رویه شماره ۸۰۷ - ۱۳۹۹/۱۱/۱۴:

جزای نقدی که در برخی از مقررات قانونی مانند بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ با اصلاحات بعدی، به عنوان بدیل حبس و به منظور رعایت حال متهم پیش‌بینی شده است، ملاک تعیین درجه جرم نیست؛ بلکه در این موارد درجه جرم بر اساس مجازات حبس مقرر در قانون مربوط تعیین می‌شود. بر این اساس و با عنایت به ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، به لحاظ آنکه مجازات حبس مقرر در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در خصوص مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳، به نصف تقلیل یافته و درجه ۷ است، به بزه مذکور به طور مستقیم در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود. بنا به مراتب، رأی شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و

غیر آن لازم‌الاتباع است.

#### ۴. رای وحدت رویه شماره ۸۰۸ - ۱۳۹۹/۱۲/۰۵:

مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، آرای صادر شده درباره جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها نصف دیه کامل یا بیش از آن است، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. اطلاق این ماده شامل آرای صادر شده درباره صدمات متعدد عمدی وارده از سوی یک شخص نسبت به دیگری که جمع دیات متعلقه به میزان مذکور باشد، نیز می‌شود. بنا به مراتب، رأی شعبه نهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

#### ۵. رأی وحدت رویه شماره ۸۰۹ - ۱۴۰۰/۰۱/۱۷:

با عنایت به تعریف «قاچاق کالا» در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی و تفکیک عناوین «قاچاق» و «نگهداری کالای قاچاق» در مواد دیگر این قانون از جمله ماده ۲۲ آن، صرف نگهداری مشروبات الکلی خارجی گرچه به عنوان یکی از مصادیق کالای ممنوع جرم و مستوجب مجازات مقرر در ماده ۲۲ قانون یاد شده است، اما از حیث صلاحیت از شمول ماده ۴۴ همین قانون خارج است. بر این اساس و با توجه به ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و استثنایی بودن صلاحیت دادگاه انقلاب، رسیدگی به بزه یادشده در صلاحیت دادگاه کیفری دو است. بنا به مراتب، رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

### تازه‌های طرح



#### ۱. طرح قواعد اجرای احکام تخصصی دادگاه خانواده:

به موجب این طرح که در قالب ۳۴ ماده به صورت عادی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید مقنن هدف رفع برخی ابهامات و اشکالات اجرایی و تسریع فرآیند اجرای برخی از احکام حقوق خانواده را با توجه به ماهیت منحصر به فرد آن‌ها داشت.

#### ۲. طرح اصلاح قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور:

به موجب این طرح که در تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۳۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام وصول گردید انجام اصلاحاتی در قانون مذکور پیشنهاد گردید.

از جمله اصلاحات به عمل آمده در قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی که در این طرح مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی، هر چند ابهاماتی مانند عدم تعیین ضابطه روشن در مورد نحوه تشخیص اخلاک‌گران یا عمده وجود دارد، اما به جهت فوریت امر و اینکه اصلاح ماده ۱ قانون نیازمند بررسی طولانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی است، در ماده ۱ این قانون اصلاحی صورت نگرفته ولیکن ماده ۲ به جهت رفع خلاءهای موجود که استجازه بر همین اساس انجام شده است تغییراتی صورت گرفته و جایگزین ماده ۲ قبلی شده است. از جمله سایر موارد اصلاحی می‌توان به حفظ و تأکید بر تضمین‌های قانون آیین دادرسی کیفری، روزآمد کردن مجازات انفسال از خدمات دولتی، طراحی ساختار و نحوه رسیدگی شعب ویژه با تعدد قاضی و با حضور مشاور اقتصادی، قطعی بودن مجازات کمتر از درجه چهار، رسیدگی توأمان به مجازات شرکاء و معاونان جرم و اتهامات متعدد مرتکبان جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی، نظارت معاون اول قوه قضائیه و تشخیص موارد کلان و عمده توسط وی و به طور کلی، درج تمام احکام استجازه سال ۱۳۹۹ در قانون، اشاره نمود.

## تازه‌های نوایح

### ۱. لایحه اصلاح تبصره (۲) ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری:

نظر به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم جبران یا عدم جبران خسارات وارده معنوی وارده به بزه‌دیده بر تحکیم بنیان خانواده و تحمیل هزینه‌های ناشی از آن بر هزینه‌های خانوار، سطح رفاه و معیشت نهاد خانواده، معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری «لایحه اصلاح تبصره (۲) ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری» را تهیه و به هیات دولت ارائه نموده است. متن لایحه پیشنهادی به شرح زیر است:

«منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید.»

### ۲. لایحه اصلاح ضوابط مربوط به اجازه زوج در صدور گذرنامه زوجه:

براساس بند (۳) ماده (۱۸) قانون گذرنامه، صدور گذرنامه برای زنان شوهردار منوط به موافقت کتبی شوهر است، موضوعی که موجب می‌شود گاهی مردان از آن به عنوان ابزاری برای فشار بر زوجه استفاده نمایند تا وی را در ازای موافقت یا عدم موافقت با خروج وی از کشور، ملزم به انجام یا عدم انجام کاری نماید یا از این حق قانونی با عنوان اهرمی برای ایذاء و آزار زوجه استفاده کنند، مسئله‌ای که مغایر با هدف کلان قانون گذار در تکریم و حمایت از جایگاه زن به عنوان همسر و جایگاه زن به عنوان مادر است.

ضمن آنکه بر مبنای ماده (۱۹) قانون گذرنامه، شوهر این اختیار قانونی را دارد تا بعد از اعلام رضایت به خروج زن از کشور و بعد از صدور و یا تمدید گذرنامه، از اجازه خود عدول کرده و مانع خروج زن از کشور شود و به اینصورت و با سوء استفاده از حق قانونی خود، زن را در دور باطل گرفتار نماید.

بنابراین و نظر به ضرورت انسداد هر نوع امکان سوءاستفاده از این حق قانونی زوج، استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان و تحکیم بنیان خانواده و استواری روابط خانوادگی، معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به منظور برون رفت از مشکلات قانونی پیش روی زنان متأهل در صدور گذرنامه و خروج از کشور، لایحه اصلاح بند (۳) ماده (۱۸) قانون گذرنامه و الحاق (۵) تبصره به مواد (۱۸ و ۱۹) آن را در خصوص اصلاح ضوابط مربوط به اجازه زوج در صدور گذرنامه زوجه به هیئت دولت ارائه نموده است.

### ۳. لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان:

باتوجه به ویژگی‌های روحی و جسمی کودکان و نوجوانان و ضرورت پلیسی‌گری افتراقی با استفاده از روش‌های غیرقضایی و ترمیمی در مواجهه با بزه‌کاری‌های آنان برای پیشگیری از تکرار بزه‌کاری و بزه‌دیدگی و در اجرای ماده (۳۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن، لایحه‌ای با هدف تعیین ساز و کار و حدود صلاحیت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، تقدیم مجلس گردید.

### ۴. لایحه اصلاح ماده ۶۱۲ کتاب پنجم مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده):

به موجب این لایحه پیشنهاد گردید که این ماده به شرح ذیل اصلاح گردد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد، به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در مواردی که فرد با علم به عدم امکان قصاص مرتکب قتل مذکور شود، به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه ولی قهری یا قیم مرتکب قتل افراد تحت سرپرستی یا همسر خود شوند و دارای فرزند صغیر نیز باشند، دادگاه می‌تواند در اعمال حقوق مربوط به ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی آنها محدودیت ایجاد کند.

تبصره ۳- در تمامی موارد موضوع تبصره (۱) این ماده، بازداشت موقت متهم تا حداقل یک سال الزامی است و مجازات مربوط نیز تا قبل از سپری کردن حداقل یک چهارم حبس تعیین شده توسط دادگاه مشمول هیچ یک از نهادهای ارفاقی مذکور در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نمی‌شود و مبدا زمان برخورداری از نهادهای مذکور پس از اجرای یک چهارم مجازات تعیین شده محاسبه می‌شود.»

## تازدهای دستورالعمل

### ۱. آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران:

در اجرای ماده ۷۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران و بنا به پیشنهاد رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، « آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران » مشتمل بر ۹۳ ماده و ۶۵ تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ به تصویب رییس قوه قضائیه رسید.

## تازدهای آیین نامه

### ۱. دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیکی:



در اجرای ماده ۶۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۰۴/۱۲/۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی و به منظور تسهیل و تسریع در رسیدگی‌های قضائی، کاهش اتلاف وقت و نیروی انسانی و ایجاد روبه واحد در رسیدگی‌های الکترونیکی، تعیین شیوه انجام تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا استماع نظرات کارشناسان، دادرسی در مراجع قضائی با استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، «دستورالعمل نحوه تحقیق و رسیدگی با استفاده از سامانه‌های ارتباط الکترونیک» در ۳۹ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ به تصویب رییس قوه قضائیه رسید.

## تازه‌های نشر

تنظیم‌کننده: فرشید نظری  
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۱- همکاری‌های قضایی بین‌المللی / نویسنده: دکتر محمدعلی اردبیلی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۹۹۰.

۲- مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو تعامل شرع و حقوق / به کوشش: دکتر فیروز محمودی جانکی و دکتر جمشید غلاملو / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۶۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۹۰۷.

۳- جرایم علیه مصالح عمومی کشور / نویسندگان: دکتر حسین آقای‌نیا و دکتر هادی رستمی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۹۵۲.

۴- ترجمه و تعلیق بر مبنای تکمله المنهاج (حدود و تعزیرات) / نویسنده: استاد خلیل قبله‌ای خویی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۴۵۷.

۵- دادرسی کیفری غیرقضایی / نویسنده: دکتر علیرضا محمدیکی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۹۷۶.

۶- جامعه‌شناسی جنایی / نویسنده: دکتر رضاعلی محسنی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۷۶۱.

۷- جرایم علیه مصالح عمومی کشور / نویسنده: دکتر سید محمود مجیدی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۸۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۶۰۰.



- ۸- جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص / نویسنده: دکتر جلال‌الدین قیاسی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۷۱۶.
- ۹- کلیات حقوق جزا / نویسنده: دکتر سید محمود مجیدی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۲۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۸۵۳.
- ۱۰- کاربرد روانشناسی در بازجویی و پیگردهای قضایی / نویسندگان: مارک آر کیل ، گراهام ام دیویس / مترجمان: دکتر فریبرز صدیقی ارفعی و دکتر محسن نیازی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۹۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۸۱۵.
- ۱۱- آسیب پذیری، کودکی و قانون / نویسنده: جاناتان هرینگ / مترجم: دکتر امیر اعتمادی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۸۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۷۹۲.
- ۱۲- دانشنامه جرم‌شناسی نظری / نویسنده: دکتر امیر پاک‌نهاد / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۸۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۸۴۶.
- ۱۳- جرایم مالی، کلاهبرداری و خیانت در امانت (جلد نخست) / نویسنده: دکتر امیر اعتمادی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۱۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۷۵۴.
- ۱۴- حقوق کیفری بین‌المللی / نویسنده: دیدیه روبو / مترجمان: دکتر بهزاد رضوی فرد و دکتر محمد فرجی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۱۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۳۶۵.
- ۱۵- حبس انفرادی از دیدگاه اسلام / نویسنده: دکتر محمدحسن نجاری / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۹۰۲.
- ۱۶- تحلیل حق دستداری با تاکید بر رویه قضایی / نویسنده: فائزه دانشور / انتشارات امجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۸۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۲۶۰.
- ۱۷- مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای حقوقی و کیفری قانون صدور چک / نویسنده: معصومه انصار / انتشارات امجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۳۴۵.
- ۱۸- بررسی قلمرو مسئولیت حقوقی پزشک و پزشک‌یار ورزشی در حقوق ایران و آمریکا / نویسنده: محمدرضا رستمی / انتشارات امجد / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع رقی / قیمت ۴۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۳۱۴.
- ۱۹- نگرشی بر حقوق بین‌الملل کیفری / نویسنده: دکتر علیرضا میلانی / انتشارات مهر کلام / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۹۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۶۸۹۶۸۷۰.
- ۲۰- عناوین مجرمانه « راهنمای رسیدگی به جرایم و تعیین مجازات‌ها » / نویسنده: دکتر علیرضا شریفی / انتشارات مهر کلام / چاپ اول / سال ۱۴۰۰ / نوع جلد: گالینکور / قطع وزیری / قیمت ۲۳۰۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۶۸۹۶۷۰۲.

## تازه‌های لاتین

تنظیم‌کننده: منصوره قنبریان بانوئی  
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

### Articles:

- 1- Terrorism in Armed Conflict: New Data Attributing Terrorism to Rebel Organizations, Virginia Page Fortna, Nicholas J. Lotito, Michael A. Rubin, Conflict Management and Peace Science, 2020.
- 2- The Legal Characterization of Facts During the Red Terror in Ethiopia: Genocide, War Crimes, or Crimes Against Humanity? Kassahun Molla Yilma, International Annals of Criminology , 58, 2020.
- 3- Unholy Alliances and their Threat: The Convergence of Terrorism, Organized Crime and Corruption, Emilio C. Viano, International Annals of Criminology , 58, 2020.
- 4- The Crime and State Terrorism Nexus: How Organized Crime Appropriates Counterinsurgency Violence, Philip Luke Johnson, Perspectives on Terrorism, Vol. 13, No. 6 , 2019.
- 5- Terrorism as Transnational Organized Crime and Government'S Attemp to Elliminate Terrorism, Nuswantoro Dwiwarno, Earth and Environmental Science 175, 2018.

### Books:

- 1- Transnational terrorist groups and international criminal law, Anna Marie Brennan, Routledge Research in International Law, 2020.
- 2- The New Terrorism, Actors, Strategies and Tactics, tefan Goertz, Alexander E. Streitparth, springer, 2019.



